هفته نامهٔ

وآنـان کـه در راه مـا بـا جـان ومـال جهادکـرنـد محققـاً آنـان رابـه راه خـویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان



مجاهدین پیش از کس دیگر علاقمند امنیت و ثبات در کشور هستند و نمی خواهند که دیگر یک قطره خونی در کشور بریزد.

از فرموده های استاد شهید در بیست و پنجمین سالگرد شهادت استاد عبدالقادر ذبیح الله، فرماندهٔ عمومی جمعیت اسلامی در ولایت بلخ

(جدی ۱۳۸۸ ولایت بلخ)

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ سوم ۲۶ حمل ۱۳۹۱ ۲۲ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 14 April 2012

استاد عطا محمد نور والی بلخ، در برنامهٔ شبکهٔ جهانی تلویزیون آریانا افغانستان:

ملت افغانستان تصمیم بگیرد

ص۶



نگاهی به تفاهمنامهٔ در مورد عملیات خاص

◈ **ابوبکر سبزوار**

سرانجام بعد از ماه ها بحث و جدل، ظاهراً امریکایی ها پذیرفتند تا عملیات خاص که عملیات شب هنگام بخشی از آنست به رهبری افغان ها و مطابق به قوانین افغانستان صورت گیرد و برای این کار یک کمیسیون تصمیم گیری نیز به میان آید. وزیر دفاع افغانستان و فرماندهٔ نیروهای ناتو در افغانستان در این مورد تفاهم نامه ای را به امضاء رسانیدند.

بر بنیاد این تفاهمنامه، از این به بعد فرماندهی عملیات خاص به عهدهٔ نیروهای افغان خواهد بود و نقش امریکایی ها در این رابطه بیشتر پشتیبانی و تهیهٔ گزارشات استخباراتی می باشد.

سوال اینست که آیا امضای این تفاهمنامه می تواند قدمی به جلو باشد و آیا همانگونه که رئیس جمهور کرزی معتقد است، این کار به معنی تحکیم حاکمیت ملی در کشور خواهد بود؟

امضای تفاهمنامه نیازی به تصویب پارلمان ندارد و بنابراین الزامیتی را هم به میان نمی آورد. تفاهمنامه بیشتر یک تعهد اخلاقی میان دوطرف است که برای جانب ضعیف قانوناً حقی را ثابت نمی سازد اما برای جانب قدرتمند به این دلیل که تعهدی را در قبال ندارد، رعایت آن الزامی نیست. به همین دلیل است که در این تفاهمنامه نیامده است که اگر یک طرف به مفاد آن عمل نکند، طرف مقابل در این حالت چه خواهد کرد و چه موضعی خواهد داشت؟

نکتهٔ مهم دیگر اینکه معیاد اعتبار این تفاهمنامه نیز نامعلوم است و مشخص نیست که تا چه زمانی مدار اعتبار خواهد بود. اگر تا اخیر سال ۲۰۱۳ واقعاً نیروهای خارجی قصد خروج از افغانستان را دارند و پس از آن تمام مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغان سپرده می شود، پس روی چه دلیلی تاریخی برای اعتبار این تفاهمنامه مشخص نشده است؟ یک سال، ده سال صدسال....؟

در این تفاهمنامه آمده است که از این به بعد، عملیات خاص (که بیشتر منظور همان عملیات شبانه است) باید در مطابقت با قانون اساسی افغانستان صورت گیرد به این معنی که قبل از هر عملیات، باید حکمی از محکمه در مورد اخذ گردد. البته در شرایطی که تنگنای زمانی وجود داشته باشد، می توان ابتدا عملیات را انجام داد اما بعداً حکم محکمه را به دست آورد.

در این رابطه پرسش هایی وجود دارد که در تفاهمنامه ص۲

افغانی سازی امنیت و بالابردن روحیهٔ افغانی

◈ **همنوا**

هفتهٔ گذشته با خوشوقتی اعلام گردید که وزرای دفاع جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا، سند مهم سپردن امنیت در شب ها را به قوای افغانی، امضاء کردند.

سال ها بود که مردم ما از حملات و تلفات ملکی توسط حملات قوای خارجی و عمدتاً امریکایی ها رنج می برند و در جریان این عملیات، تعدادی از افراد بیگناه نیز شهید و یا زخمی می گردیدند...

حملات خارجی ها: درست است که اکثر حملات خارجی متوجه تروریست ها بوده و تعداد زیادی از فرماندهان و کلان های تروریست در این عملیات، کشته شده و نابود شده اند! اما جای تعجب است که حکومت دقیق و حساب شده خارجی ها، چرا از مسیر اصلی آن منحرف گردید و تعدادی از افراد بی گناه، شامل زنان و کودکان نیز طی این حملات، به شهادت رسیده اند؟



مردم ما به یاد دارند که قوای خارجی، همگام و همراه با مجاهدین در سرکوب تروریست ها و دهشت افگن ها، در سال های ۱۳۸۰ به صورت دقیق و شمرده، مواضع اصلی دشمنان مردم افغانستان را نشانه می گرفتند و حتی افراد مشخص را از سر راه بر می داشتند، بدون اینکه خلل یا ضرر به افراد دیگر و یا خانه های مجاور وارد گردد... چرا آن حملات دقیق ادامه نیافت و چرا افراد بی گناه در جریان عملیات خارجی ها کشته می شوند و یا منازل شان تخریب می گردد؟

اطلاع رسانی نادرست: فکر می شود که گزارش های نادرست به خارجی ها داده می شود و آنان طبق این گزارش ها به محلات ویژه یورش می برند.... اما اکثر کسانی که گزارش می دهند، از افراد درست و معتبر نمی باشند و اکثر گزارش ها بنا بر خصومت ها و یا دشمنی های ص۲

بازهم رد بودجه از سوی پارلمان

<u>تکساری</u>

نظر به دلائل چندی، بودجهٔ سال ۱۳۹۱ برای بار دوم از سوی پارلمان کشور رد گردید؛ زیرا وزارت مالیه نتوانست خواسته های پارلمان را در خصوص بودجهٔ پیشنهادی برآورده سازد. در میان پارلمان و وزارت مالیه، سخنان ضد و نقیض ارائه گردید، پارلمان به این باور است که این در بودجهٔ پیشنهادی توازن در ولایات در نظر گرفته نشده و در قسمت های از این بودجه مواد غیر ضروری وجود داشته که مورد قبول پارلمان نمی باشد؛ به همین گونه توصیه های پارلمان در مورد افزایش بودجه برای آموزش و پرورش، صحت و تحصیلات عالی بی نتیجه بوده و یا به آن بی اعتنایی صورت گرفته است.

گذشته از برخی استدلال های دو طرف، طوری که دیده می شود؛ جانب حکومت کمتر به فرمایشات پارلمان اعتنا می نماید و ریاست جمهوری می خواهد نفوذ خود را بالای پارلمان تامین نماید. این چنین بی اعتنایی ها در برابر پارلمان از سوی حکومت به یک امر عادی تبدیل شده است، منطق حکومت داری حکم می کند که بودجهٔ سال ۱۳۹۱ در سال پار باید از تایید پارلمان می گذشت، تا در شروع سال جدید برنامه های انکشافی و توسعه یی در کشور روی دست گرفته می شد و در حیات اقتصادی و عمرانی کشور، سکتگی و بی میلی به وجود نمی آمد. در این نبردی که میان پارلمان و حکومت آغاز گردیده است، بدون شک جانب حکومت برنده خواهد شد؛ زیرا پارلمان کنونی از چنان صلابت و نفوذ سیاسی بر خوردار نیست که جانب ص۵

<u>شفیق</u>

د سوريې روانه جګړه او د عنان پیچلی ماموریت

د عربي پسرلي د بدلونونو په لړ کې سوریه د تونس، مصر، لیبیا او یمن وروسته بل هغه عربي هیواد دی چې د دولسو میاشتو راهیسې پکې د بشار الاسد د حاکم رژیم پر خلاف ولسي پاڅون پیل شوی خو لاتر اوسه خپلې منطقي نتیجې ته ندی رسیدلی.

تر دا مهاله پدغه هیواد کې د بشار الاسد د رژیم د پرځولو لپاره په پیل شوي ولسي پاڅون کې د اتو زرو په شاوخوا کې سوریایي وګړي د بشار الاسد د ځواکونو لخوا په شهادت رسیدلي او په زرګونو نور بیا ټپیان شوي دي او هم د زرګونو په شمیر کې سوریایي وګړي ګاونډیو هیوادونو او په ځانګړې توګه ګاونډي ترکیې ته مهاجر شوي دي، چې لاملـه یې د سوریې خونړی انقلاب په یو ناورین بدل شوی دی.

د ملګرو ملتونو د سر منشي بانکی مون لخوا پخوانی سرمنشي کوفي عنان هغه مهال د سوریې لانجې ته د حق د لیارې د پیداکولو په منظور په دنده وګمارل شو چې کله دوه میاشتې وړاندې د ملګرو ملتونو د امنیت په شورا کې د سوریې پر خلاف صادریدونکې پریکړه لیک د چین او روسې لخوا ویټو شو او د سوریې د واکمن رژیم د تادیبولو او کلابندۍ تر څنګه پر خلاف یې د امنیت شورا ۳مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ /۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

ایجاد فضای باورمندی مردم، نسبت به نیروهای امنیتی، در تأمین امنیت کمک می نماید

نبود امنیت در کشور از عمده مسایلی است که بر نگرانی مردم افزوده و به اکثر برنامه ها اثر بد گذاشته است. به یقین تا صلح و امنیت در یک کشور تأمین نباشد و مردم احساس آرامش نکنند، کشور و باشندگان آن را از توسعه و پیشرفت باز می دارد، که این مانع بزرگ، اطفال و جوانان را از فراگیری تعلیم و تحصیل مانع می شود، مردم را فقیر بار می آورد، و صدها مشکل دیگر دست به دست هم می دهند که حتی گاهی برخی افراد، حس آزادگی و آزاد زیستن را از دست می دهند.

انتقال مسوولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان که در سال ۲۰۱۰ میلادی در نشست لیزبون روی آن موافقت صورت گرفت، دو دور را در برخی شهرها، ولسوالی ها و مناطق آرام و نسبتاً در امن پشت سر گذشتاند. قرار است دور سوم روند انتقال مسوولیت های امنیتی در بهار امسال (۱۳۹۱) آغاز گردد و این روند تا سال ۲۰۱٤ میلادی که سال خروج مکمل نیروهای خارجی از کشور خوانده شده، تکمیل خواهد شد.

به عهده گیری مسوولیت های امنیتی در سراسر کشور به دست پرتوان نیروهای امنیتی و دفاعی ، خواست هر باشندهٔ این سرزمین است. در توافقنامهٔ که به منظور سپردن علمیات های شبانه به نیروهای افغان، هفتهٔ پیش بین مقامات افغانستان و امریکا به امضاء رسید، مردم رنجدیدهٔ ما را امیدوار ساخته است.

تأمین امنیت، مسوولیت دولت افغانستان به خصوص نهادهای امنیتی کشور است تا با مسوولیتی که در قبال کشور و مردم مطابق قانون دارند، جانبازانه و دلسوزانه تلاش نمایند. در سال ۲۰۱٤ که نیروهای خارجی کشور ما را ترک خواهند کرد، برخوردار از یک اردو و پولیس ملی توانمند باید بوده باشیم. آنچه مهم است، باورمندی مردم به نهادهای امنیتی می باشد، گزینش و تقرر افراد در این نهادها از اهمیت زیادی برخوردار است.

نقش کشورهای همسایه در تأمین امنیت از اولویت های است که دولت افغانستان گاهی با تنش های مقطعی و زمانی خوشبینی های زودگذر، نباید از کنار آن سطحی عبور نماید.

اعضای دائمی و ناظر سازمان همکاری شانگهای نیز طی نشست مشورتی یک روزه، چندی پیش در شهر پکن، ضمن بررسی اوضاع منطقه، روی موضوع افغانستان بحث و تبادل نظر نموده، از وضعیت امنیتی افغانستان ابراز نگرانی نمودند.بهار که از یکسو مردم کشورما با آمدن این موسم پرطراوت خرسند می شوند، از جانب دیگر در بسیاری مناطق کشور، مردم در ترس و دلهره بسر می برند، زیرا در سال های که کشور در جنگ و ناامنی بسر می بُرد، مخالفین مسلح دولت، دایم بهار و گرم شدن هوا را هوشداری برای تشدید حملات شان اعلام می دارند و گاهی آگاهانه و ناآگاهانه، این طبل از سوی دوستان (!) هم نواخته می شود.

به یقین امنیت پدیده ایست که مانع رشد جامعه در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تعلیمی می شود، حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی را تحت شعاع قرار می دهد. دولت باید تعریف درست از دشمن ارائه دهد، چیزی که در یک دهه ارائه نشده است. ایجاد زمینه های شغل برای بیکاران، پیشرفت، توسعه، آبادانی، رعایت قانون، جلوگیری فساد، پیش زمنیه هایی است که در تأمین امنیت کمک می نماید. دیده شد اگر تنها جنگ و درگیری با مخالفان، کشور را بسوی امنیت سوق می داد، حضور و فعالیت رزمی حدود چهل کشور جهان با ساز و برگ پیشرفتهٔ نظامی تأثیرگزار می بود.

نگاهی به تفاهمنامه در مورد عملیات خاص



ادامه از صفحهٔ اول

پاسخی به آن نمی توان یافت؛ نخست اینکه جنگ افغانستان یک جنگ چریکی بوده و سرعت عمل در آن نقش بنیادی دارد. اگر شب هنگام خبر می رسد که در جایی تعدادی از مخالفین تجمع کرده اند و ضرورت به عملیات است، در آن صورت کدام محکمه در نیمه شب برای صدور حکم می تواند وجود داشته باشد.

گفته شده که گزارش به یک کمیسیون مشترک ارائه می شود و این کمیسیون در مورد عملیات تصمیم می گیرد. بدون تردید این پروسه وقت گیر است و با هدفی که برای عملیات شبانه و خاص در نظر گرفته شده در مغایرت قرار دارد. بنابراین دشوار است بتوان تصور کرد که همهٔ این مراحل قبل از عملیات به صورت دقیق اجرا گردد و سپس عملیات صورت گیرد.

در رابطه به حکم محکمه همانگونه که قبلاً اشاره شد، ممکن است نخست عملیات صورت گیرد و بعدا حکم محکمه حاصل شود. در چنین حالتی اگر عملیات به نتیجهٔ مطلوب نرسد و به خصوص اگر شخصی یا اشخاصی هم اشتباهاً کشته یا مجروح گردند، آیا محکمه حاضر خواهد بود تا این مسوولیت را بعد از عملیات به عهده گیرد و حکم صادر کند؟ اگر این کار را محکمه در نتیجهٔ فشار انجام دهد، سرنوشت قوهٔ قضائیه به عنوان یک رکن مستقل دولت چه خواهد شد و اگر چنین حکمی را صادر نکند، به این معنی است که از تفاهمنامه تخطی صورت گرفته است. در آن صورت چه مرجعی جوابگو خواهد بود؟

تاکید نیروهای خارجی بر اینکه عملیات شبانه بسیار موثر بوده و تاکنون تعداد زیادی از تروریست ها در این عملیات دستگیر یا کشته شده اند بیشتر یک ادعا است زیرا از نظر آنان هرکسی در مناطق ناامن دشمن تلقی می شود. اگر واقعاً چنین بوده باشد پس چرا نام این فرماندهان تروریست ها تاکنون مشخص نشده و به محاکمه کشانده نشده اند؟ تاکنون بیشتر افراد بیگناه و غیرنظامی در این عملیات کشته، مجروح یا دستگیر گردیده اند.

دلیل واضح است و آن اینکه اول افراد دستگیر می شوند و بعداً متهم می شوند که با مخالفین همکاری کرده اند. به همین دلیل افراد مدت ها را در زندان های امریکایی ها سپری می کنند و بعد بدون اینکه مشخص شود چرا دستگیر شده بودند، آزاد می شوند.

امریکایی ها در این مورد یک دلیل عجیب دارند که در زندان گوانتانامو به زندانیان گفته می شد و آن اینکه امریکا در جهان دو نوع دشمن دارد؛ دشمنان بالقوه و دشمنان بالفعل.

یک فرد ممکن است دشمنی آشکاری با امریکا نداشته باشد اما مخالف امریکا بوده و هر زمان ممکن است این دشمنی از قوه به فعل درآید. بنابراین وقتی چنین شخصی تشخیص می شود که ممکن است روزی علیه ما دست به اقدام بزند، اقدام پیشگیرانه ایجاب می نماید تا وی را دستگیر کنیم و یا بکشیم!

عملیات شبانهٔ امریکایی ها تا کنون (عملیات پیشگیرانه) بوده است و به همین دلیل آنها کسانی را که سال ها در زندان های امریکا سپری کردند، این حق را به دست نیاوردند تا بدانند که چرا دستگیر شده بودند و چرا محاکمه نشدند. از آنجائی که در قانون اساسی افغانستان و سایر قوانین این کشور، چنین موردی پیشبینی نشده و برائت حالت اصلی است، بنابراین ناممکن است اهداف امریکایی ها را با قوانین افغانستان هماهنگ کرد.

افغانی سازی امنیت و بالابردن روحیهٔ ...

موجود در مناطق مختلف، صورت می گیرد...

خارجی ها و به خصوص امریکایی ها به داشتن اطلاعات درست و سازمان های خاص جاسوسی مجهز هستند و به خوبی می توانند که دشمنان را شناسایی و سرکوب نمایند... اما در صورت درست بودن فرضیهٔ فوق، آیا کارکرد این اطلاعات و سازمان ها در کشور ما غلط و نادرست نیست؟ آیا واقعاً اطلاعات نادرست به امریکایی ها می رسد و یا آن ها به قصد و عمد، مرتکب چنین جنایات می شوند؟

اگر حرف قصد و عمد در کارشان است، پس هدف اصلی این عملیات چیست؟ آیا آنها به زور می خواهند، مردم ما را که میلیون ها و میلیارد ها دالر برای ترقی و پیشرفت آن مصرف کرده اند و می کنند، دشمن خود سازند و همهٔ مردم خارجی ها و به خصوص امریکایی ها را دشمن خود پندارند، همان طوری که روس ها و شوروی ها را می دانستند و از آن ها تنفر داشتند؟

پس این همه خطا و تقصیر تکراری و باز هم تکراری از کجاست و چرا خارجی ها و امریکایی ها با این همه تصور و گمان خوب مردم دنیا در مورد تشکیلات و سازمان دهی آن ها، بازهم به جان بی گناهان می افتند و مردم عادی را شهید می سازند؟ این سوالی است که مقامات خارجی باید به آن پاسخ بدهند و برای حل این سلسلهٔ طولانی دشمنی با مردم افغانستان، پایان بدهند...

بالا بردن روحیهٔ افغانی: افغانستان کشور ما است و ما همه مکلف به حفظ کشور، سلامتی و امنیت آن هستیم، افغانستان را باید مردم افغانستان، آزاد و مستقل نگهدارند و با جان دل از تمامیت ارضی آن حفاظت نمایند... دولت افغانستان، مخالفین دولت که نظام و قانون اساسی را می پذیرند و در جلسات مختلف در داخل کشور شرکت می نمایند، احزاب معتبر سیاسی، جامعهٔ مدنی، رسانه های جمعی و عامهٔ مردم باید در بالا بردن روحیهٔ مردم و قوای مسلح، سعی و تلاش نمایند و از قوت های رزمی این قوا ستایش کنند و به مردم افغانستان و مردم دنیا اطمینان بدهند که قوای مسلح کشور توان کامل حفاظت از امنیت کشور را دارد و به خوبی می تواند که جلو حملات تروریستی را بگیرد و این دهشت افگن ها را که در خانه و محلات کشور جای ندارند و به صورت دزدانه در این گوشه و آن گوشه پنهان می شوند و بعد باحملات انتحاری و انفجاری، تعدادی از مردم بی گناه ما را شهید می کنند، و از کشور محو و نابود سازند و یا مجبور به فرار به مراکز و جایگاه اصلی شان سازند... پس همه کسانی که با حکومت مخالف اند، طبق قانون اساسی کشور می توانند ، مطالبات خود را مطرح کنند و حکومت را مورد انتقاد قرار بدهند و... اما به هیچ صورتی نباید زنگ های بی مورد خطر را به صدا آرند که سال ۲۰۱۴ فرارسیدنی است و با خروج خارجی ها، کشور و نظام از بین می رود و...

در حالی که باید فداکاری و ایثار فرزندان قهرمان کشور در قوای مسلح افتخار نماییم که در هر جا حملات انتحاری و انفجاری را به قیمت جان های عزیز خویش، دفع کرده و تمام پلان های شوم دشمنان مردم را با خاک یکسان کرده اند، پس بیایید همه باهم، حکومت، مخالفین داخلی، احزاب سیاسی، جامعهٔ مدنی، رسانه های جمعی و... در راه دفاع از کشور و حاکمیت قانون اساسی باهمه تشکلات و تأسیسات تروریستی مقابله نماییم و همیشه به مردم اطمینان بدهیم که همه باهم هستیم و دشمنان افغانستان (داخلی و خارجی) توان ضربه زدن به ما را ندارند و إن شاءالله مردم ما به همت و شهامت مردان دلیر کشور، قوای مسلح و مجاهدین دلیر و قهرمان که همواره کشور را از خطر های مهلک، نجات داده اند، و این بار نیز مانند همیشه در سنگر دفاع از کشور قرار دارند و حکومت، هنگام ضرورت، مردم و مجاهدین را مسلح خواهد ساخت و توطئه های دشمنان افغانستان خنثی خواهد شد.

تذکره های الکترونیک

اما احصائیه؟!



پوهنمل محمد نسیم فقیری

خبر خوش توزیع تذکره های الکترونیک را از رسانه های جمعی شنیدی... واقعاً یک خبر خوش و دلپذیر است. امروز کشورما به فضل خداوند بزرگ و در سایه کمک های بین المللی، توان یافته است تا تمام اسناد و مدارک شناسایی و اسناد دولتی را طبق اصول و معیارهای جهانی عیار سازد... داشتن تذکره های الکترونیک یکی از این پیشرفت های است که نصیب کشور و هموطنان ما شده است... درست است که در کشور خویش با مشکلات و نابسامانی هایی روبرو هستیم و فساد اداری از بزرگترین چلینج های بخصوص این دوران است، اما نمی توان همواره انتقاد کرد و از همه مراحل ترقی و پیشرفت، چشم پوشی نمود.

از خوبی های بزرگ و دقت کامل در تذکره های الکترونیک که بگذریم، راه های موآصلاتی و پخته بودن این راه ها از شهکارهای افغانستان در طول تاریخ آن است! همه می دانیم و بخصوص کسانی که به دلایل بسیار و از جمله جهت تداوی و درمان به پاکستان می روند، به یاد دارند که قبل از ده سال، وضع راه ها، به ویژه شاهراه کابل- تورخم، بسیار آشفته و دلگیر و اذیت کننده بود، همه به یاد دارند که مسافرین ما از کابل و یا جلال آباد با چه دشواری هایی به طرف پاکستان در حرکت بودند و در جریان سفر از خرابی جاده، گرد و خاک و تکالیف دیگر تا چه اندازه اذیت می دیدند و ساعت ها به راه می افتادند تا به مقصد اصلی برسند و به ویژه وضع بیماران در همچو راه خراب و تکان های فراوان در مسیر راه، وضع بیماران و همراهان را بسیار آشفته و رنج آور می ساخت...

همین مسافران هنگام عبور از سرحد و رسیدن به خاک پاکستان و دیدن سرک های پخته، افسوس می نمودند که چرا در کشورما، سرک ها پخته نیست و ما چرا دنبال این همه تکلیف و رنج هستیم!

اما امروز به فضل و احسان خداوند، همه سرک ها و شاهراه ها پخته است و مردم ما می توانند به آسودگی سفر نمایند و بازهم بخصوص کسانی که به پشاور و کویتهٔ پاکستان سفر می کنند و بیمار دارند هنگام عبور از سرحد و وارد شدن به خاک پاکستان، متوجه می شوند که سرک های طولانی و پخته در خاک کشور را ترک گفته و اکنون وارد سرک های خراب و اکثر ناپخته و کم عرض شده اند!

جای شکر است که امروز در کشورما و به ویژه در شاهراه کابل- تورخم سرک ها همه پخته است و هنگام عبور از سرحد متوجه می شویم که با سرک های نیمه پخته و قابل بازسازی روبرو هستیم و در همین جا است که به وضع کشور خود و به خصوص از ناحیهٔ سرک ها و شاهراه ها، افتخار نماییم و جای شکر است بازسازی چنان رو به پیشرفت است که کارگران پاکستانی در کشورما به کار استخدام می شوند، و این پیام زمینهٔ کار و بازسازی را به آن طرف می برند.

إنشاء الله روزی فرا می رسد که به همت والای فرزندان دلیر و با شهامت این سرزمین قهرمان پرور و به برکت صلح و آرامش در کشور و امید بازگشت هزاران مهاجر دور از وطن، این کشور به سوی پیشرفت و تعالی بیشتر از پیش گام بگذارد. امید است تعدادی مهاجرینی که در عرصه های مختلف تحصیل و تخصص داشته اند ، همچنان داکتران از محیط های هجرت به کشور برگردند و در کلینیک های دولتی و شخصی توظیف گردند تا مردم بیمار و بی نوا راهی تداوی و مداوا در پاکستان و هند و ایران نشوند. اما در مورد توزیع تذکره های الکترونیک باید به موضوع مهم احصائیه نیز توجه نمود و آن را به دور از هر نوع گرایش سیاسی و قومی، مورد مطالعه قرار داد!

سوال مهم این است که چرا در کشور ما، موضوع احصائیه و سرشماری به صورت درست و دقیق، همواره وجود نداشته و دست های غرض آلود این موضوع مهم را احاطه کرده است؟ چرا نمی گذارند که به صورت درست و شفاف موضوع احصائیه در تمام ولایات، روشن شود و حق یک فرد یا یک قوم و یک ولایت نادیده گرفته نشود؟

امروز ما افغانستان واحد داریم که همه مردم ما به ریسمان الهی و عقیدهٔ دینی باهم گره و پیوند دارند و حرف های زشت و ناروای تعصبات قومی و زبانی و ولایت و ولسوالی، هرگز در میان مردم ما موجود نیست ما همه با هم برادر و برابر هستیم و ضرورتی نیست تا این یا آن حکومت بخواهند مردم ما را به نام های قوم و زبان و ولایت از هم جدا سازند! پس بهتر است تا حکومت و ادارات ذیربط و موسسات داخلی و خارجی و کشورهای کمک دهنده همه متوجه حساسیت موضوع سر شماری باشند و قبل از آغاز توزیع تذکره های الکترونیک، در پی احصائیهٔ دقیق و واقعی از نفوس و جمعیت کشور برآیند تا حق مردم افغانستان را همان طوری که قانون اساسی تعیین نموده به صورت دقیق اجرا شود و هیچ بهانه ای برای معترضان باقی نماند و مردم کشور ما به صورت برادر و برابر در امر بازسازی هر چه سریع تر وطن شان، بیش تر از قبل، اقدام نمایند و شاهد پیشرفت های زیاد در همه عرصه ها گردند.

*

د سوریې روانه جګړه او د عنان پیچلی ماموریت



د اول مخ پاتې

لخوا د قهر آمیزې مداخلې مخه ونیول شوه، چې د ملګرو ملتونو سازمان یې دې ته اړ کړ څو د کوفي عنان په څېر تجربه کار سړی د سوریې د واکمن رژیم او د هغه د سیاسي مخالفینو او انقلابیونو ترمنځه د روغې جوړې او مذاکرې لپاره په حساس ماموریت وګماري. پدې لړ کې کوفي عنان د روان کړکیچ او دوارو لورو ترمنځه د روانې جګړې د ختمولو لپاره یو شپږ ماده ایزه طرح وروسته له هغه اعلان کړه چې د سوریې د واکمن رژیم د پلویانو (روسیې او چین د هیوادونو) د چارواکو سره یې پدې هکله لازمي مشورې ترسره کړې او د طرحې په هکله یې ددغو هیوادونو ملاتړ هم حاصل کړ؛ چې له مخې به یې د اپریل تر دولسمې نیټې پورې دواړو لورو اوربند عملي کړاوه او د واکمن رژیم له لوري د جګړې سیمو ته لیږدول شوې درنې وسلې او ټانکونه به بیرته په شا کیږي او هم به مخالفین په هغو سیمو کې نوره جګړه ودروي چې یې نیولې دي څو د مذاکراتو لپاره لاره پرانستل شي.

څو د اوربند لپاره ټاکلې شوې نیټې د رارسیدو سره سره هم، د بشارالاسد رژیم خپلې بمبارۍ او حملې ونه درولې او د دوشنبې تر ورځې پورې د واکمن رژیم لخوا د سرکوب کونکو عملیاتو لړۍ روانه وه چې په نتیجه کې پدې ورځ هم څه د پاسه سل تنه سوریایي وګړو د جګړو په دوران کې خپل ژوند له لاسه ورکړ پداسې حال کې چې بشارالاسد د کوفي عنان طرح (چې د مخالفینو او واکمن رژیم دواړو لوریو په ګډه وه) منلې هم وه؛ هغه چې له مخې به یې د سوریې د څه د پاسه دیرش کلونو راهیسې سلطنتي رژیم په اوه کلن انتخابي جمهوریت بدلیږي او بشار الاسد به هم لکه د یمن د علي عبدالله صالح په څېر واک خپل مرستیال ته پریږدي.

څو د اپریل تر لسمې نیټې (دوشنبې) ورځې پورې هم بشار الاسد په منل شوې طرح عمل ونکړ چې د نوموړي دغه عمل د سوریې روانه جګړه خطرناکې مرحلې او بوګنوونکې انجام ته روانه کړه؛ ځکه که بشار الاسد د خپل واک د ساتلو په منظور د مخالفینو خپلو ته دوام ورکړي _ لکه چې د سه شنبې په ورځ یې د ترکیې په خاوره کې میشت شوو سوریایي مهاجرینو کیمپونه هم بمبار کړل _ نو بنایې چې روان کړکیچ او کورنۍ جګړه نوره هم خونړۍ او پراخه شي او سوریه له تباهۍ او تجزیې سره مخ کړي؛ ولې چې د دولت مخالفین او په پاڅون کې شریک خواکونه به خامخا خپلې مبارزې ته دوام ورکوي او د بشار الاسد له واک څخه د ګوښه کیدو پرته به وسله په ځمکه کېنښیږدي چې خامخا به یې انجام د سوریې تجزیه اوسې او په ټوله سیمه کې روان کړکیچ به نور هم وسیع شي.

په همدې منظور بوه نیمه اوني وړاندې د ترکیې په هیواد کې هم د سوریې د دوستانو په نوم یو نړیوال کنفرانس د ترکیې چارواکو لخوا تیول شوی وو او د هغې په هکله هم د سوریې واکمن رژیم د سوریې په مسایلو کې ترکیه په لاسوهنه تورنه کړه او ویې ویل چې د دا ډول کنفرانس لپاره د ترکیې پر ځای عراق مناسب وو. سوریه څکه د خپلې لانجې د حل په لیار کې د کنفرانس لپاره عراق مناسب هیواد ګڼي چې د عراق پخوانی رژیم هم هغه بعثي رژیم وو چې د ایران او عراق په تیره اته کلنه جګړه کې د ایران پلویتوب کړی وو او اوس د هغه رژیم پر ځای تاسیس نظام _ که څه هم د امریکا په پلویتوب او نظامي مداخله منځته راغلی دی (د دښمن دښمن دوست وي) د قانون له مخې یې، سوریه د ترکیې په نسبت دوست ګڼي. او ترکیه چې ورته د مهاجر شوو سوریایي وګړو د پاللو او ځای ورکولو لامله دا حق لري چې د سوریې د روانې جګړې او کړکیچ په لیار کې د دا ډول کنفرانس کوربه واوسي، ورسره دښمني وکړي. څو که نړیواله ټولنه او د ملګرو ملتونو سازمان د سوریې د روانې جګړې پر وخت مخنیوی ونکړي او د روان کړکیچ لپاره لازم حل را ونه باسي نو د سوریې روانه جګړه او ناورین به دیر بد عواقب ولري، چې مسوولیت به یې د بشار الاسد د مستبد رژیم سربیره امریکا او د ملګرو ملتونو ته هم راجع وي. نو څکه اړینه ده چې باید کوفي عنان په خپل ماموریت کې کوټلي ګامونه واخلي او د سوریې داخلي جګړه سیمې ایزې یا نړیوالې جګړې ته و نه باسي.

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح



تزویر

شرر درسنگ برق خرمن مردم نمیگـردد
غنیمت میشمار از زاهدان خلوت گزینی را

تصویر عمومی:

درطـول تـاریخ و در هرعـصر و زمـا نـی دو خـصلت در روابـط ذات البینـی، معـاملات و غیره شئون اجتماعی حاکم بوده است.

یکـی از ایـن دو خـصلت عبـارت از واقـع گرایی، تطا بق ظا هر با با طن یا به تعبیر ساده، یـک رویـی و یـک رنگـی اسـت. ایـن خـصلت الـی کـه جـوهر انـسانیت، اسـلامیت و معنویت است.

متأسـفانه خیلـی انـدک بـوده ویـا مقایـسه بـا قطب مخالفش کـه عبـارت از تظـا هـر و ریاسـت، حتی نادر بـوده اسـت ودو دیگـر عبـارت از تظـاهر، نیرنگ و ریا اسـت. ایـن خـصلت منفـی و شـیطانی کـه بـه اثـر ممارسـت و تکـرار در بـسا اشـخاص حیثیـت طبیعـت ثـا نـوی را بـه خـود گرفتـه و بـه حیث معمولترین و عـادیترین امـر جلـوه مـی کنـد، خیلـی خطـر نـاک و گمـراه کننـده اسـت. زیـرا اضـرار و عـوا قـب وخـیم آن اولاً متوجـه فـردی است کـه بـه ایـن خـصلت معتـاد گردیـده و تمـام اعمـال و روابـط آن بـه اسـاس تظـا هـر و ریـا استوار است.

همچو اشخاص بـر عـلاوهٔ ایـن کـه اجـری از اعمـال خـویش بـه دسـت نمـی آورنـد، از حیـث معنـی و بـا طـن نیـز مماسـیخی انـد کـه غـلام هوس های شیطا نـی خـویش انـد و صـرف بـرای فریـب خلـق الله ظـا هـر خـویش را مـی آراینـد و آنچـه را کـه از اعمـال و مکلفیـت هـای شـرعی انجـام مـی دهنـد، صـرف بـر سـبیل عـادت و یـا برای کـسب وجـه و اعتبـار مـی باشـد، کـه نتیجـهٔ همچو اعمـال نظـر بـه تـصریح قـرآن کـریم مثـل همان خاکی است بـه روی سـنگ صـاف کـه بـه واسطهٔ باران تند از بین می رود.

همچنان چه بـسا اشـخاص سـاده انـد کـه در دام این شیادان اسیر مـی شـوند و متحمـل ضـرر هـای مـادی و معنـوی مـی گردنـد. بنـاءً ایـن قماش کسان ننـگ اسـلامیت وانـسا نیـت انـد وبـه منزلهٔ شـرری انـد کـه آتـش در خـرمن هـستی مـردم میزنند.

روی ایـن اصـل اسـت کـه درهرعـصر، کـسا نـی کـه یـک دل و یـک زبـان بـوده انـد، ازموجودیـت ایـن جـراثیم هوشـدار داده ومـردم را از نفاق وشیادیِ ایـن طایفـه بـر حـذر داشـته انـد. حـضرت ابوالمعـانی بیـدل رح بـه اثرداشـتن معنویـت بلنـد وضـمیرپاک، همچواشـخاص را خیلـی عمیـق وهمـه جـا نبـه درک و در زمینـه، داد سـخن داده و بیبـا کـا نـه افـشاگری مـی نماید.

الفاظ وکلمات:

بدون شـک هـدف بیـدل رح درایـن بیـت عبـارت ازکـسانی اسـت کـه بـا ظـا هرآرایـی مـصروف فریـب خلـق الله انـد. امـا بـاطن ایشان آگنـده ازظلمـت وتـاریکی اسـت. بـدین اساس اصل ادعـا، مفهـوم مـصراع دوم بـوده و مـصراع اول بـه حیـث شـا هـد وگـواه بـرای اثبـات ادعـای مـذکور آورده شـده اسـت. بنـاءً در ایـن بیـت ازمـدعا مثـل کـه ازبهتـرین صنایع معنـوی بـدیعی میبـا شـد، اسـتفاده بـه عمـل آمـده اسـت. همچنـان درایـن بیـت بـا ذکر کلمـات بـرق، شـرر وسـنگ ازحیـث ایـن کـه متـضمن شـرر اسـت، صـنعت مراعـات النظیر رعایت گردیده است.

مفهوم تفصیلی:

حـضرت بیـدل (رح) بـا ا نزجـار ونفرتـی کـه از اشـخاص ظـا هـر آرا ودو رنـگ دارد وآن را برق خرمن هـستی مـردم میدانـد، مـا هیـت ایـن گونه اشـخاص را بـا بلیغتـرین وروشـنترین شـیوه بیـان نمـوده اسـت. مبالغـهٔ لطیفـی کـه در ایـن بیـت اسـت، عبـارت اسـت از غنیمـت دانـستن خلوت گزینی زهد پیـشه گـان تاریـک ضـمیر اسـت. در حـالی کـه ایـن خلـوت گزینـی خـود مظهـری از مظا هـر فریـب و ریـا در ایـن گونـه اشخاص است. اما غنیمت دانستن آن ایـن افـاده را میکنـد کـه گویـا اشـخاص متظـا هـر وشـیاد چنـان در دو رنگـی خـویش غرقنـد کـه امیـد هـیچ گونـه عمـل مثبـت ازآنهـا متـصور نیـست و یگـا نـه وقتـی کـه مـردم از ضـرر آنهـا در امـان انـد، عبـارت از همـان لحظـاتی اسـت کـه آنهـا بـه اسـاس تظـا هـر خلـوت گزینـی میکنند واز تماس بـا مـرده موقتـاً فـا صـله میگیرنـد و همچـو اشـخاص در حالـت خلـوت گزینـی مـا ننـد همـان شـرری انـد کـه در سـنگ پوشـیده بـوده وضرری از آنها متصور نمی باشد.

خلاصهٔ مفهوم:

شـرر تـا وقتـی کـه دردل سـنگ پوشـیده است، خرمن مردم نیز از آن در امان است.

زاهدان بیخبـر ومتظـا هـر نیـز مـا ننـد همـان شرری انـد، کـه آتـش درخـرمن هـستی وعقیـدتی مـردم میزننـد و حـد اقـل لحظـهٔ خلـوت گزینـی آنها که گرچه به اسـاس ریـا وتظـا هـر اسـت، بـاز هـم غنیمـت اسـت. زیـرا در آن لحظـه اسـت کـه مردم از شر آنها ایمن می گردند.

چند بیت دیگـر از غزلـی کـه بیـت مـذکور در آن است:

حسد تا کی تعصب چند اگر درد دلـی داری
نیاز زاهدان بیخبر کن درد دینی را
نشاط اینجا، بهاراینجا، بهشت اینجا، نگاراینجا
تو کز خود غافلی صرف عدم کن دور بینی را
مجو تمکین عالی فطرت از دون همتان بیدل
ثبات رنگ انجم نیست گلهای زمینی را

*

جلوه های نوروز و بهار در اشعار شاعران متقدمین

نوروز و آمـدن بهـار و طـراوت دوبـارهٔ طبیعـت مـورد توجـه همـه شعرا بوده و هر یکی بـا توجـه زمینـهٔ فکـری خـود بـه نـوعی بـه وصف نوروز و جلوه های زیبای طبیعت پرداخته اند.

•رودکی

ابیـات، قطعـات، قـصائد و غـزل هـای معـدودی کـه از رودکـی باقی مانده است، می تـوان بـه نیکـی دریافـت کـه ایـن شـاعر در فنـون تـصنیف شـعر، اسـتاد و مـاهر بـود و سـخنان وی در قـوت تشبیه و نزدیکی معانی بـه طبیعـت و وصـف آن، کـم نظیـر اسـت و لطافت، متانت و انسجام خاصی در آنها مشاهده می شود.

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
با صد هزار زینت و آرایش عجیب
لاله میان کشت، درخشد همی ز دور
چون پنجهٔ عروس به حنا شده خضیب
بلبل همی بخواند اندر شاخسار بید
سار از درخت سرو، مر او را شده مجیب

•فرخی سیستانی

فرخی سیـستانی شـاعر بـزرگ اواخـر قـرن چهـارم و اوایـل قـرن پـنجم و از جملـه سـرآمدان سـخن در عهـد خـویش و در همـه ادوار تاریخ ادبی بوده است. ایـن شـاعر یـک ترجیـع بنـد بلنـد در باره نوروز دارد که بخش اول آن در اینجا آورده می شود.

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فردا مان بکار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تو لختی صبر کن چندانکه قمری برچنار آید
چو اندر با غ تو بلبل بدیدار بهار آید
ترا مهمان ناخوانده بروزی صدهزار آید
کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید
چنان دانی که هر کس را همی زو بوی یار آید
بهار امسال پنداری همی خوشتر ز یار آید
از این خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

•منوچهری

منـوچهری دامغـانی از جملـه شعرای ظـراز اول در نیمـهٔ اول قـرن پنجم هجری اسـت. در شـعر ایـن شـاعر اسـتاد، نـوعی موسـیقی و آهنگـی خـاص وجـود دارد چنانکـه بـا خوانـدن اشـعار او گـویی خواننده با آهنگی سرگرمـست. ایـن موسـیقی خـوش آینـد، روانـی، سـادگی فکـر و صـراحت منـوچهری در سـخن و شـادابی روح شاعر، اشعار او را بی اندازه طربناک و دل انگیز ساخته است.

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کردست رای تاختن و قصد کار زار
وینک بیامدست پنجاه روز پیش
جشن سده طلایه نوروز نامدار
آری هر آنگهی که سپاهی شود برزم
ز اول بچند روز بیاید طلایه دار
این باغ و راغ ملکت نوروز ماه بود
این کو و کوهپایه و این جوی و جویبار
جویش پر از صنوبر و کوهش پر از سمن
راغش پر از بنفشه و باغش پر از بهار
بر سبزه بهار نشینی و مطربت
بر سبزهٔ بهار زند سبزهٔ بهار
آمد نوروز و هم از بامداد
آمدنش فرخ و فرخنده باد
باز جهان خرم و خوب ایستاد
مرد زمستان و بهاران بزاد
روی گل سرخ بیاراستند
زلفک شمشاد بپیراستند
کبکان برکوه بتک خاستند
بلبلکان زیر و ستا خواستند
آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی فراز
کامگارا گیتی، تازه از سر گیر باز

•حکیم عمر خیام نیشاپوری

حکیم عمـر خیـام در قـرن پـنجم مـی زیـسته و یکـی از آثـار مهـم وی رباعیـات اسـت کـه شـهرت عـالمگیر دارد. حکـیم خیـام کلامـش مملـو از اسـتدلال و آگـاهی دادن اسـت و هـر خواننـده ای را وادار بـه تفکـر مـی کنـد. در اینجـا سـه ربـاعی که بیشتر در بارهٔ نوروز، گـل، طربنـاکی بلبـل و ناپایـداری گـل و سبزه است، که می سراید:

برچهرهٔ گل شبنم، نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است
چون ابر به نوروز رخ لاله بشُست
برخیز و بجام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگهٔ تست
فردا همه از خاک تو برخواهد رُست
بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایهٔ گل نشین که بسیار این گل
از خاک برآمده است و در خاک شده

ادامه در شمارهٔ آینده

چرا ضعیف افغانستان را ترک گفت؟

وحید مژده



مدتی قبل ملاعبدالسلام ضعیف عازم امارات متحدۀ عربی گردید. سفر به امارات برای ضعیف تازگی نداشت و وی هر سال به کشور های مختلف از جمله امارات متحدۀ عربی مسافرت می کرد اما سفر اخیر وی دو ویژه گی داشت؛ نخست اینکه وی با تعدادی از اعضای خانواده به سفر رفت و دوم اینکه این سفر به طول انجامید.

طولانی شدن این سفر موجب بروز شایعاتی گردید از جمله اینکه گفته شد ضعیف به خواست حکومت افغانستان به امارات رفته است و حکومت افغانستان تلاش دارد تا با بهره گیری از احترامی که طالبان به ضعیف دارند، مذاکرات با طالبان را در قطر آغاز نماید.

ضعیف مجبور شد تا در رد این شایعات به تاریخ ۱۴حمل نامه ای به رسانه ها بنویسد که در بعضی از سایت های انترنتی به نشر رسید. در این نامه آمده است: ...اینکه در بعضی از رسانه ها در مورد من شایعاتی به نشر رسیده که گویا من به کمک ادارۀ کابل به دوبی آمده ام و در جهت سرعت بخشیدن به پروسۀ صلح فعالیت می کنم، کاملاً بی اساس است و بعضی جهت ها با پخش این گونه شایعات اهداف خاص خود را دارند.

در بخش دیگر از این نامه، ضعیف به مشکلات امنیتی که در افغانستان به آن مواجه بود اشاره دارد. وی می نویسد که از تقریبا دو سال به اینطرف من به مشکلات جدی امنیتی مواجه شدم و این مسئله را با حکومت نیز در میان نهادم.

نامه هایی به بعضی از کشورها فرستادم تا مرا به عنوان پناهنده بپذیرند و به این ترتیب بدور از مشکلات امنیتی در یک کشور دیگر زندگی آرام داشته باشم. از حکومت افغانستان هم درخواست کمک در این رابطه نمودم اما متاسفانه هیچ کمکی از جانب حکومت به من صورت نگرفت در حالی که آنها از مشکلات من به خوبی مطلع بودند.

ضعیف پخش شایعات در مورد دخالتش در پروسۀ صلح را عامل مشکلات امنیتی برای خویش می داند و تاکید می دارد که من توان و استعداد چنین کاری را ندارم و دخالت در چنین پروسه ای از توان من به مراتب بلند تر است.

در بخش دیگری از این نامه آمده است که، من در صدد هستم تا در یک کشور دیگر جائی برای زندگی بیابم و امارات متحدۀ عربی به ماندن من در این کشور موافقت نکرده است.

ملاعبدالسلام ضعیف سفیر سابق طالبان در اسلام آباد در سال ۲۰۰۱ و بعد از حملۀ یازدهم سپتامبر توسط پاکستانی ها به امریکا سپرده شد و سال ها را در زندان گوانتانامو بسر برد. وساطت رئیس جمهور کرزی موجب شد تا وی از زندان رها گردد و به کابل منتقل شود. او خود را به این دلیل مدیون کرزی احساس می کرد.

او بعد از آزادی از گوانتانامو، کتابی به زبان پشتو از خاطرات آن زندان به نام تصویری از گوانتانامو نوشت. این کتاب که شدیدا ضد پاکستانی و ضد امریکایی است، به زبان های دری، انگلیسی و اردو ترجمه شده است. او کتاب دیگری هم به زبان انگلیسی تحت عنوان (زندگی من با طالبان) هم نوشت.

امریکایی ها می دانستند که ترجمۀ کتاب وی به زبان اردو در پاکستان مورد استقبال قرار گرفت و به خصوص در مناطق قبایلی که احساسات ضد امریکایی قدرتمند است، تاثیر داشت. اینکه در طول دو سال گذشته چندین بار امریکایی ها برای بازرسی منزل وی اقدام کردند، نشان از نگرانی امریکایی ها از فعالیت های ضعیف داشت و تلاش کردند تا وی را با تهدید به خاموشی وادار سازند.

یکی از آخرین تهدیدات از این دست را ضعیف به نگارنده چنین حکایت کرد که، تقریباً دو هفته قبل از یازدهم سپتامر ۲۰۱۱ رئیس جمهور کرزی به من زنگ زد. من در آن موقع مشغول کار در خانۀ نیمه کارۀ خودم در بگرامی بودم. رئیس جمهور از من خواست تا بدون درنگ خودم را به ارگ برسانم.

من گفتم وضع مساعدی ندارم و سر و وضعم نامناسب و سر و صورتم پر از گرد و خاک است. اما رئیس جمهور تاکید داشت که مسئله خیلی مهم است و باید با همان وضع به ارگ بیایم. برای این کار یک موتر را از ارگ سر راه من فرستاد تا در نیمه راه مرا بردارد و تاخیر رخ ندهد.

ضعیف گفت، زمانی که من به ارگ رسیدم و به مجلسی که آقای کرزی حضور داشت رهنمائی شدم. چند امریکایی از جمله مسوول سازمان سیا در افغانستان در مجلس حضور داشتند. کرزی به من گفت که اینها از فعالیت های شما شاکی اند. من پرسیدم که کدام فعالیت ها؟ رئیس سازمان سیا در افغانستان به من گفت که، ما اطلاع دقیق داریم که شما دو نفر جنگجوی عرب را در منزل خود در کابل جا داده بودید و برای آنها پاسپورت افغانی گرفتید و بعد از گرفتن ویزۀ یکی از کشور های اروپایی، آنها را به اروپا و از آنجا به امریکا فرستادید تا در سالروز یازدهم سپتامبر، حملۀ جدیدی را در امریکا انجام دهند!

ضعیف در جواب گفت که، در درب منزل من مسوولین امنیتی حکومت مستقر اند و رفت آمد ها در منزل من از دید ریاست امنیت پنهان نیست. چگونه آنها از این جریان مطلع نشده اند. افرادی از القاعده مدت ها مهمان من بوده اند و من برای آنها از طریق ارگان های حکومت پاسپورت و از سفارت های خارجی ویزه گرفته ام. آیا چنین کاری برای شخصی چون من ممکن است؟

اما مسوولین امریکایی در جواب بدون استدلال گفتند که، ما به شما اخطار می دهیم که اگر حمله ای در امریکا صورت گیرد، ما شما را مسوول خواهیم دانست.

بعد از این جریان مسوولین امریکایی رفتند و رئیس جمهور به ضعیف گفت که، من نمی دانم هدف اینها (امریکایی ها) چیست اما بدون شک از سخنان شما و سفرهای شما به خارج راضی نیستند. حامدکرزی به ضعیف توصیه نمود تا بهانه ای به دست آنها ندهد و از جمله از وی خواست تا از سفر به ایران و شرکت در کنفرانس بیداری اسلامی در آن کشور خودداری ورزد.

این تنها امریکایی ها نبودند که به فعالیت های ضعیف به دیدۀ شک می نگریستند. پاکستانی ها هرگونه دخالت ضعیف در پروسۀ صلح را با دقت تعقیب می کردند. یکی از دلایلی که ضعیف حاضر نشد تا عضویت در شورای عالی صلح را بپذیرد همین بود. پاکستانی ها پذیرش دفتر قطر از جانب طالبان را ناشی از مشورت طالبان با ضعیف می دانستند و به این باور بودند که ضعیف به خاطر عقده ای که از پاکستان داشت، به طالبان مشورت داد تا این دفتر را در جائی دورتر از نفوذ پاکستان باز کنند. به همین دلیل وقتی شایعاتی در مورد نقش ضعیف در پروسۀ صلح قطر پخش گردید، وی در مورد امنیت خود بیش از پیش نگران شد. بنابراین او خواست از افغانستان خارج شود اما همانگونه که خودش در نامۀ خود نوشته است، تاکنون هیچ کشور برای قبول پذیرش پناهندگی ضعیف ابراز آمادگی نکرده است.

بازهم ردِ بودجه از سوی پارلمان



ادامه از صفحۀ اول

حکومت را تحت فشار قرار دهد، به گفتۀ حکومت این پارلمان فقط برای خود فکر می کند و برای خود امتیازات اضافی از وزارت مالیۀ مطالبه می کند.

در صورتی که معاش ماهوار یک وکیل ۱۳۰ هزار افغانی است و آنها مطالبه۱۹۰ هزار افغانی را از وزارت مالیه می نمایند که برای این وزارت قابل قبول نمی باشد، طوری که دیده می شود این پارلمان نتوانسته است وظیفۀ اساسی خود را که نظارت از اعمال حکومت و نمایندگی از مردم است به خوبی انجام دهد. مردم نیز از این پارلمان توقع چندانی ندارند و پارلمان نه توانسته است، طوری حقیقی به وظایف خویش بپردازد. اکنون وقتی شعار دادن حکومت فرا رسیده است که بگوید پارلمان کار های اقتصادی، عمرانی و پروژه های توسعه یی را به تعویق انداخته و مانع پیشرفت کار ها در کشور گردیده است.

در این بازی بار ملامتی به دوش پارلمان انداخته خواهد شد؛ زیرا گفته اند " الحق لمن غلب" هر قدر پارلمان در خصوص بودجه سال ۱۳۹۱ تعلل ورزد و از تصویب آن با این میکانیزم امتناع ورزد جانب حکومت نیز آماده است، حرف هایی را با آدرس پارلمان عنوان کند که برای مردم قابل قبول نخواهد بود. یک بار وزارت مالیه ادعا نمود که پارلمان همه چیز را برای خود می خواهد و این وزارت حاضر به پرداخت این امتیازات اضافی برای پارلمان نمی باشد؛ اما مردم می گویند که پارلمان نیز در برنامه بی عدالتی حکومت نقش دارد و اعضای پارلمان به دنبال منافع شخصی خویش است، تا نمایندگی از مردم.

در این بازی و تقابل میان حکومت و پارلمان بدون شک خدمات عامه و جریان برنامه های توسعه یی کشور متزلزل خواهد شد. گذشته از این ها برای مردم افغانستان معلوم گردید که جانب حکومت و جانب دولت هر دو به حیات مردم افغانستان بی اعتنایی می نمایند و برنامه را که باید در آغاز سال روان عملی می گردید به درازا گشانده است. این تقابل و رویارویی میان حکومت و مجلس قانونگذاری، سر انجام به پراگندگی نظام در همه عرصه ها منجر خواهد گردید. و این مردم افغانستان خواهد بود که بی تفاوتی، بی کفایتی ارگان های دولتی را به دوش خواهند کشید، بدون شک مردم را در بی باوری سوق خواهد داد. این بحران اعتماد، جریان زندگی مردم کشور را فلج خواهد نمود.

باید همه چیز شفاف، روشن و در این تعامل ملی صورت گیرد. به رنگ نمونه یک بودجه کلان را رئیس دولت برای محافظت خود درنظر گرفته است که خارج از ساختار کنونی کشور است؛ از جانب دیگر بودجه های کلان دیگر در خصوص بعضی از وزارت ها و نهادهای دیگر در نظر گرفته شده که در آن حساب دهی وجود ندارد و بار این مشکلات بر دوش مردم سنگینی می نماید، در صورتی که این گونه بودجه در زیر ساختار های کشور به مصرف برسد، بازدهی پیشتر خواهد داشت.

ملت افغانستان تصمیم بگیرند



خوانندگان عزیز! استاد عطامحمد نور والی ولایت بلخ، از چهره های موفق و پرتلاش نظام کنونی کشور، چند پیش در برنامۀ «افغانستان در محراق حوادث» شبکۀ جهانی تلویزیون آریانا افغانستان، برای دوساعت روی اوضاع سیاسی، اجتماعی کشور، به سوال های گردانندۀ برنامه و تعدادی از هموطنان پاسخ ارائه کردند که نظر به اهمیت موضوع، قسمت هایی از گفته های استاد نور به نشر می رسد. «اداره»

• امریکا هدف و استراتیژی خاص خود را دارد که مبتنی بر منافع ملی خود انهاست. افراد، اشخاص، گروه ها، دولت ها و ملت ها برای امریکا، منافع و استراتیژی آنها که کی می آید و کی می رود، برای آنها مهم نیست آنچه که مهم است برای امریکا، همان اهداف و استراتیژی و برنامه های ملی آنها می باشد که در مناطق مختلف می خواهند محوریت را به دست داشته باشند، ابتکار عمل را بدست داشته باشند وکار کنند.

• این درست نیست که صحبت های تعیین سرنوشت یک ملت بزرگ، از طرف جامعۀ جهانی تصمیم گرفته شود و صحبت ها جریان داشته باشد و خود ملت خبر نباشد... چنانچه در ویتنام در سال های اخیر جنگ، پنج سال صحبت از صلح جریان داشت. در خلال همین پنج سال عساکر خود را آبرومندانه از ویتنام بیرون کردند و اگر از یک دید دیگر، موضوع امریکا، حضور شان و برنامۀ صلح شان را که شما می بینید، چقدر پیچیده است... مطالعه و برداشت های را که من دارم، امکان دارد، تا سال های ۲۰۲۵ قسماً قدرت غرب به شرق انتقال کند که جهان از یک قطبی خلاص خواهد شد. و این انتقال قدرت به چهار کشور چین، روسیه، هند و ایران احتمالا خواهند بود. ازین نقطه نظر هم امریکا می خواهد که افغانستان را در منطقه با خود داشته باشد. اینکه توسط کدام مهره و کدام چهره و توسط کدام نظام، امارت اسلامی یا جمهوری اسلامی، چپی یا راستی، برای آنها مهم نیست، آنچه مهم است تأمین منافع امریکا در منطقه است که حفظ شود.

• خواسته های ملت افغانستان نباید درین معامله به بازی گرفته شود اینکه طالب ها برگردند به نام امارت اسلامی دوباره همان ظلمی را که در دور اول روا داشته بودند دوباره عملی کنند بدون شک تمام دستاوردهای ده ساله که عبارت از داشتن قانون اساسی، پارلمان منتخب، رئیس جمهور منتخب، آزادی بیان، حقوق زن، داشتن اردوی ملی، پولیس ملی و پیشرفت های که صورت گرفته ، مکاتب که بروی طبقه اناث و ذکور باز است و بالآخره یک دموکراسی نوپای که در افغانستان به میان آمده کل اینها نقش برآب خواهد شد و یا اینکه این دستآورد ها اقلاً خدشه دار خواهد گردید.

• کشورهای بزرک از عدم خود کفائی دولت افغانستان استفاده کرده در بعضی موارد آنرا نادیده می گیرند مثل مذاکره با طالبان بدون اشتراک دولت و باز کردن دفتر برای آنها در قطر، این خود نمایانگر کم بینی ملت افغانستان و دولت آن می باشد. در مقابل دولت افغانستان موضع گیری بسیار جرئتمندانه و قاطع گرفته، گفته است، صلحی که از آدرس دولت اسلامی افغانستان صورت نگیرد آن نتیجۀ عملی نخواهد داد.

• در افغانستان ۴۵ کشور حضور دارد، هرکشور مبتنی بر اساس قانون و پالیسی کشور های خود شان تصمیم می گیرند. بالآخره اتحادیۀ اروپا بین خود شان مشکل دارد، یک تفاهم و یک همآهنگی درست ندارند، جز حرف های تشریفاتی و مطبوعاتی. امریکا تصمیم خود را دارد. انگلستان هم تصمیم خود را دارد. اینها بر اساس برداشت ها و پالیسی های خودشان عمل می کنند. طوری که اولویت ها را تشخیص بکنند، همراه حکومت محلی و حکومت مرکزی و مردم هم آهنگ بسازند بدون اینکه در تصامیم از دولت افغانستان مشوره بگیرند و در تصامیم دولت نقش اساسی داشته باشند تصمیم می گیرند. آن تصامیم ناقص و خالی از مشکلات نمی باشد... اگر دوستان خارجی ما در تصامیم و تفویض مسوولت امنیتی به دولت افغانستان، مشورۀ جانب افغانی را مراعات کنند به فکر من بسیار مؤثر و موفقیت آمیز خواهد بود.

• ما پیشنهاد کرده بودیم که یک قسمت صلاحیت ها به محلات و ولایات انتقال شود تا ما بتوانیم کارهای بهتر و مؤثر تر بکنیم. مثلاً در ولایت بلخ که تا حدی امن است اگر ما ظرفیت های خود را بهتر نسازیم در درازمدت آسیب پذیر خواهیم بود. البته نا گفته نباید گذاشت که یک قسمت صلاحیت ها توسط داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی به ولایات انتقال شده است اما این کافی نیست، ما انتظار انتقال بیشتر و باقی آن هستیم.

• کل این قتل های زنجیره ای، هدفمندانه صورت می گیرد. هر چهره، هر شخصیت و هر عنصری که توانائی تنظیم کردن و بسیج کردن مردم خود را دارد و انگیزه و اندیشۀ آزادمنشی دارد و اندیشۀ این را دارد که مردم خودش به خاطر سرنوشت خود شان، خود تصمیم بگیرند و حاکم بوده باشند، آنها می خواهند که این قسم چهره ها را از بین ببرند. اگر استاد شهید، قهرمان ملی در گذشته، قوماندان داوود شهید، انجنیر عمر شهید، خان محمد خان شهید، ملک زرین شهید، کاظمی شهید، و بلاخره برادر خود رئیس صاحب جمهور هستند که همه شهید شدند، همۀ اینها شخصیت های بودند که تنظیم و ترتیب توده های مردم را داشتند. مثلاً شما ببینید در قندز و تخار قوماندان داوود، انجینیر عمر و جنرال شاه جهان نوری رول اساسی در تنظیم و تجمع مردم داشتند و امثال اینها را ناجوان مردانه شهید ساختند. همۀ آنها چهره ها و ستاره های آسمان آزادی خواهی، آزادمنشی در افغانستان بودند. آنها را یکی بعد دیگری از سر راه خود برداشتند. و آنها در تلاش هستند که چهره های باقی مانده را از سر راه خود بردارند. اما آنها نمی دانند که با برداشتن هر چهره، هزاران چهره در مقابل آنها تبارز می کند. جزء دیگر هدف اینست که می خواهند این ملت را بی قهرمان بسازند. بدون شخصیت هایی تصمیم گیر بسازند. ازین طریق می خواهند بعداً به آسانی بالای این ملت بدون مشکل حکومت کنند. اما این یک اجتهاد غلط خواهد بود فقط یک خیال است.

• در مورد جمعیت اسلامی بعد از شهادت رهبر خردمند آن، شهید صلح استاد برهان الدین ربانی، در بعضی موارد تصامیم بر اساس مشوره ها و تفاهم صورت گرفته است، که البته در آن تفاهم من هم شریک هستم. ولی قرار است که جمعیت در این نزدیکی ها تصمیم خوبی را بگیرد، کنگره دایر شود و یک انسجام خوب و یک نظام خوب به میان بیاید شما می دانید که جمعیت یکی از بزرگترین حزب فراقومی و فرا منطقه ای، سراسری و افغانستان شمول می باشد. یگانه حزبی است که در طول جریانات، گرمی ها و سردی ها و فراز و نشیب های که آمده، ازین کوره ها امتحان خود را داده و مؤفق بیرون برآمده است. و برهرکانال مشکلات که سر راهش آمده آن را پشت سر گذاشته و از آن خود را مؤفق کشیده است. خداوند رحمت کند استاد شهید رهبر محبوب ما را، ایشان یک رهبر بلامنازعه در میان ما بود. امروز این بزرگوار در میان ما نیست. و این بر ماست که، زیرکانه و هوشیارانه تصمیم بگیریم، حد اقل از پراگندگی و تشتت جمعیت اسلامی جلوگیری کنیم، با روش و متود نوین آن را تنظیم و نو آوری نماییم. و آنچه را که شرایط معاصر می خواهد ما برای مردم خود ارائه کنیم. یکی از جملۀ اهداف مهم ما هم همین خواهد بود. ما مصمم هستیم که در بازی های آیندۀ کشور و انتخابات پیش رو، محور اساسی قرار بگیریم و در تمام بازی های استراتیژیک و سرنوشت ساز کشور نقش اساسی داشته باشیم. این را اطمینان می دهم که این مشکل به زودترین فرصت حل خواهد شد و جمعیت بار دیگر قامت برافراشته خواهد بود.

• من در جلسۀ برلین اشتراک نکرده بودم، البته دعوت شده بودم، و قبل از شهادت استاد بزرگوار هم دعوت شده بودم که من نرفتم، و این دعوت به تعویق افتاد. درین اواخر هم دعوت شده بودم تقریباً یک ماه مسلسل دعوتنامه می رسید و از من تقاضای اشتراک را می کردند. و ویزا هم برایم تنظیم شد. من روی ملاحظاتی که داشتم سنجید م که این سفر برای من دستآوردی نخواهد داشت بلکه، حساسیت برانگیز نیز می باشد. امروز ما نیازمند وحدت ملی هستیم، ما امروز نیازمند یک نظام قانونمند و یک نظام محکم در افغانستان هستیم، ما ضرورت داریم که برای آیندۀ خود همه دسته جمعی بیندیشیم و دسته جمعی به پیش برویم، ما ضرورت داریم که خود را از بار دوش ننگین کشور های خارجی خلاص کنیم، و سر پای خود بایستیم. ما باید متوجه برگشت توده های مسلح بعد از سال ۲۰۱۴بوده باشیم. ولی آن چیزی که وحدت ملی را خدشه دار می سازد، ملالت آور بوده و حساسیت برانگیز می باشد، درشرایط فعلی ما جلو آن را باید بگیریم. در مورد برادرانی که در برلین رفته اند آنها نشست هایی داشته اند و صحبت های با سناتوران کشورها داشته اند، آن حق قانونی شان است.

• ما به وحدت ملی ضرورت داریم. وحدت ملی بر اساس شعاری، بر اساس خواسته های بعضی جلاب های(تاجران) سیاسی و سیاست نه، بر اساس افکار کسانی که از حربۀ قومی، زبانی و مذهبی سوء استفاده می کنند نه، بلکه وحدت ملی واقعی بین افغان های که درین وطن زندگی می کنند، می تواند تأمین شود. ما همه یکدیگر را بپذیریم، با رعایت اصل دموکراسی و با رعایت اصل فرهنگ تفاهم، ما باید همدیگر را بپذیریم، وحدت ملی را در افغانستان تمثیل کنیم. در پهلوی این، یک بیداری سیاسی لازم است ما باید بدانیم که در افغانستان و جهان چه می گذرد. در افغانستان چه کنیم که در آن منافع ملی ما نهفته باشد، که در آن مصئونیت را برای مردم بیاورد و متضمن رفاه و آسایش باشد. ما آلۀ دست دیگران نشویم. دنیا از ما چه می خواهد و ما از دنیا یعنی جامعۀ جهانی چه امتیازی می توانیم به دست بیاوریم. از تمام چانس های طلائی که به پیش می آید ما چطور به نفع وطن خود از آن استفادۀ درست کنیم. همچنان ما باید ظرفیت های اداری خود را آنقدر بالا ببریم که دیگر ضرورت به افراد متخصص نباشد که از خارج وارد افغانستان نمائیم و با معاش های گزاف استخدام شوند و در نهایت به ضرر این وطن تمام شوند. میلیون ها دالر به نام تخصص به مصرف رسیده در حالی که نتیجۀ ملموس قطعاً نداشته، خصوصاً به نام متخصص معاش های بلند بالایی برای خارجی ها داده می شود و هم برای بلند بردن قابلیت های نظامی خود تلاش کنیم تا ما بتوانیم بدون همکاری دیگران امنیت کشور خود را تامین کنیم و از سرحدات کشور خود حفاظت نمائیم و هم حریم هوایی ما را با یک سیستم فعال کنترول کنیم. و صاحب انواع مختلف طیاره های جنگی و کشفی ملکی شویم. همچنان باداشتن یک طرح معقول برای انسجام داخلی که بتواند کمبودات ما را جمع کند یعنی ما یک اتاق فکر داشته باشیم، شخصیت های که صاحب فکر و برنامه باشند از اندوخته های آنها استفاده کنیم. آنها پلان بدهند و از تطبیق آن پرسان کنند. در صورت عملی شدن، پلان جدید را برنامه ریزی کنند و داشتن طرح معقول سیاست خارجی. ما باید دارای سیاست خارجی واضح و روشن باشیم و باید بدانیم که دوست ما کی هست و کی دشمن ما می باشد. ما با کی و با کدام پالیسی به پیش برویم و تمام موانع را حتی موانعی که با کشور های همسایه داریم آن را از میان برداریم تا ما یک کشور مصئون و با روابط متقابل با دیگر کشور ها باشیم. خصوصاً ما باید خود را تا سال ۲۰۱۴ از تمام این کمبودی ها و موانع فارغ نماییم تا باشد ملت رنجدیدۀ ما از نعمت صلح و آرامی بهره مند شوند.

• اگر دولت افغانستان از نگاه کمی و کیفی تجهیز نشود، در اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی تغییرات اساسی نیاید، طبیعی است که حوادثی به میان خواهد آمد. چون هستند کسانی که از داخل اجیر و نوکر خارجی ها هستند. اگر تعدادی از پایگاه های خارجی ها بدون مطلب، نه بطوری دائم، صرف به خاطر تجهیز و تربیۀ نیروهای افغانستان و ظرفیت سازی آنها باشد آنها اهدف استراتیژیک نداشته باشند و بخواهند که ظرفیت های اقتصادی ما را کمک کنند، بدون شک ما تا سال ۲۰۱۴ خودکفا خواهیم شد و می توانیم که از سرحدات خود دفاع کنیم و جنگ های داخلی را مهار سازیم.

• در مورد پروندۀ شهادت رهبر شهید استاد ربانی، کارها و تحقیقاتی صورت گرفته، یک مقدار سرنخ ها پیدا شده که کی و از کجا آمده بوده و هیأتی هم به پاکستان رفته بود و در آنجا بحث های هم داشته اند. آنچه که طور شاید و باید کاری می شد، این مجرمین دستگیر می شدند و روی شان سیاه می شد که چطور آمدند و به این سادگی داخل افغانستان شدند، و چطور چهار و پنج روز در مهمانخانۀ دولتی بودوباش داشته و چه قسم خود را به استاد رسانیده، و آغای ستانکزی و واحدیار که این تروریست را باخود نزد استاد برده، از اینها چرا سوال نشده و...؟ اینها بحث برانگیز و سوال برانگیز است. من با احترامی که به فرزندان و هواخواهان استاد شهید دارم متوجه هستیم که فرزند ارشد استاد بزرگوار چه تصمیم می گیرد. وگر نه ما حتما موضوع را جدی پیگیری و صدای خود را بلند خواهیم کرد. استاد یک آدم عادی نبود، استاد یک سرگروپ نیست، استاد یک قوماندان عادی نبود. استاد یک رهبر بود، یک دانشمند بود، یک چهرۀ جهانی و فرامنطقه ای بود. و به این سادگی، با اظهار تأسف و تألم و حرف های تشریفاتی، این ما را تسلی نمی دهد. شخص من درین رابطه بسیار جدی هستم و بسیار جدی خواهم بود. انشاءالله.

• تحکیم صلح و امنیت سراسری در افغانستان جنگ زده، که افغانستان شاهد سه دهه جنگ است و بدبختانه کشورهای همسایه و حتی استخبارات دورتر از منطقه، در قضایای افغانستان دخیل بوده و دست های نامرئی درین وطن دراز بوده و همچنان خودخواهی ها و خود سری های احزاب و تنظیم ها و گروه ها و شخصیت ها در افغانستان هیزم سوخت چنین احتراق و نفاق در افغانستان شدند. نتیجۀ آن اینست که ما برای تحکیم صلح و امنیت سراسری و آوردن ثبات در افغانستان به یک بن بست و بحران مواجه شویم. داشتن یک رهبری و زعامت در افغانستان و رعایت وحدت ملی و همچنان به عوض فرهنگ خشونت، فرهنگ همنظری و تحمل و کثرت گرائی و زمینه سازی کثرت گرائی در کشور، من مطمئن هستم که ضامن صلح در افغانستان خواهد شد. تا زمانی که افغانستان از فقر نجات پیدا نکند، تا زمانی که در افغانستان یک دولت قانونمند و قوی ایجاد نشود، عرصۀ تعلیم و تربیه برای فرزندان این سرزمین که مدیران و شخصیت های فردای این کشور می باشند، مساعد نشود، با این نسل موجود، که اکثریت کشور بی سواد مانده، در جنگ خوگرفته اند، بسیار مشکل است که این بحران به زودی حل شود.

• با مخالفین در دو نقطه ما باید شدیداً متوجه باشیم. یک: آنانی که از اسلام بسیار برداشت خشن، گردن زدن، تیرباران کردن، کشتار دسته جمعی و انتحار را برداشت کرده اند. دو: تعداد دیگری روی مطلب و مشکلات ها به حیث سپاه، لشکر و ماشین جنگی دیگران شدند. ص۷

ملت افغانستان تصمیم بگیرند

در این مورد ما باید بالای این موضوعات جداگانه کار کنیم. اگر ما بتوانیم ماشین جنگی مخالفین را جذب کنیم، بدون شک گفته می توانیم که تغییرات عمده در وضع امنیتی افغانستان رخ می دهد.

• من خودم از جمله افغان های هستم که به تمرکز قدرت مخالف هستم، به همین منظور برای انتقال مسوولیت های امنیتی، من پیشنهاد داده بودم که یک مقدار صلاحیت ها به محلات انتقال کند، نه برای شخص، فقط برای سیستم انتقال کند. من مخالف تمرکز قدرت هستم، و برخلاف طرفدار عدم تمرکز قدرت می باشم. یک مقدار قدرت تقسیم شود به محلات، مردم شامل تصمیم گیری های استراتیژیک بوده باشند. زیرا تمرکز قدرت به دست یکنفر خالی از اشتباه نمی باشد. اگر مردم در قدرت سهیم بوده باشد و حکومت جواپگوی مردم بوده باشد، در آن شک و اشتباه کمتر می باشد و تصامیم هم از مشروعیت زیادتر برخوردار خواهد بود.

• در مورد پروسهٔ صلح من همیشه در مصاحبه های خود گفته ام، دولت یک پالیسی روشن باید داشته باشد، و تصویر روشن از دشمن باید ارائه کند. با کی صلح باید کرد و کی ها صلح را نمی پذیرند. جزء اینکه ضیاع وقت و مصرف کردن پول بوده باشد، چیزی دیگری حاصل نیست، آنها تشخیص داده شوند. در میتود و روش پروژهٔ صلح گذشته باید تغییرات بیاید. ما نمی توانیم صلح را رد کنیم. این یکی از وجایب ملت و مردم ماست که بین هم صلح کنند. این یک ضرورت حیاتی می باشد، این ضرورت هر فرد از کشور، از کودک گرفته تا بزرگسالان به صلح نیاز دارند. صلح یک امر شرعی می باشد، ولی به نام صلح فرصت را ضایع کردن، به نام صلح چانس ها را از دست دادن، به نام صلح تاوان زیاد دادن، این کار آنقدر سنجیده و معقول به نظر نمی رسد. اما پروسهٔ صلح موفقیت هایی هم همراه داشته است. بسیار گروپ های مخالفین سلاح را به زمین گذاشته شامل این پروسه شده اند. حتی درین ولایتی که من هستم (بلخ) تعداد زیادی از گروپ های که اینجا بودند آنها با سلاح دست داشتهٔ شان شامل پروسهٔ صلح شدند. در مورد رهبران مقاومت در مورد آن بزرگواران با تمام احترامی که من برای آنها دارم. همهٔ آنها را دوست دارم، مارشال صاحب، داکتر صاحب عبدالله، قانونی صاحب، احمدضیاء مسعود و استاد بزرگوار جناب استاد سیاف صاحب و ... با همه احترامی که با ایشان دارم، این را قبول کنند و از من خفه نشوند، در طول این ده سال بسیار بازی های ناکام و شکست خورده داشتند. اینها نتوانستند رهبری درست کنند. اینها افغانستان را در دست داشتند، اینها نظام را در دست داشتند، ولی مدیریت طوری شد که آنها از نظرها افتیدند و تمام امتیازات را از دست دادند. البته مشکلات هم وجود داشته که من نمی خواهم به جزئیات داخل شوم.

• نباید برداشت دوستان و عزیزان از این صحبت و حرف من عقده مندانه بوده باشد و اینکه من در این جا قومی فکر کنم. البته این مسائل قطعاً نزد من وجود ندارد. من خط دیورند را یک معضله و درد کهنه و فرسوده برای افغانستان می دانم. یک تعداد کسان نمی خواهند که دیورند را به زبان بیاورند. می تر سند که آنها را کسی وطن فروش نگوید. شما فکر کنید و قضاوت کنید که یکصدوهفده سال به نظرم از معاهدهٔ خط دیورند سپری شده که از زمان امیر عبدالرحمن خان این معاهده امضا شده است. و امروز کشور پاکستان صاحب قدرت اتومی است و کشوری که نفوسش هشت برابر ما تقریبا می باشد. فکر می کنم که بعد از یکصدوهفده سال برای ما بسیار مشکل است انتظار بکشیم که چند سال بعد ما توانائی این را پیدا خواهیم کرد که خط دیورند را به چنگ بگیریم و آن معاهده را باطل کنیم، تا خط مرزی را خود تعیین کنیم. چنین چیزی به تفاهم هیچ امکان ندارد. من نمی فهمم که افغانستان چه وقت این توانائی را پیدا می کند. من نمی گویم که افغان ها ملت سلحشور نیستند، من موافق این هستم که به مشکل خط دیورند خاتمه داده شود. من همیشه گفته ام که دوستان عزیز، اگر می توانید به زور آن منطقه را بگیریم، بیائید برویم و بگیریم. اگر نمی توانید، بیائید که راه حل آن را بسنجیم. بیائید که یک امتیاز بگیریم. آنها به ما راه بحری بدهند. حل دیگر آن؛ از مردم دو طرف خط از راه همه پرسی نظر شان را بگیریم که آنها چه می خواهند. اگر آنها پذیرفتند به این خط نقطهٔ پایان داده شود. بخاطر اینکه پاکستانی ها اعتماد نمی کنند. هر وقتی که خط دیورند به زبان آورده می شود برای ما صدها بلا و مصیبت را نازل می کنند، انتحاری و انفجاری روان می کنند. راه های تجارتی ما را مسدود می کنند. و بلاخره ما صدها و هزاران فرزند این ملت را قربانی می دهیم. من عقیده براین دارم که در بدل یک امتیاز به این مشکل خاتمه داده شود. ما می توانیم مراجعه کنیم به آرای مردم، مراجعه کنیم به کنوانسیون منازعات بین الدول ملل متحد، مراجعه کنیم به کنفرانس کشورهای اسلامی، آنها می توانند که یک قضاوت آبرومند و قانونی در مورد کنند.

• من نظام فدرالی را رد نمی کنم، فدرالی یک نظام پذیرفته شده در دنیا است. این ارتباط به ملت افغانستان می گیرد. این ارتباط به تصامیم علیای افغانستان می گیرد که آنها تصمیم بگیرند. که آیا این نظام را در افغانستان ضرورت دارند یا خیر؟ چون فدرالی یک نظام پذیرفته شده در کل دنیا است. من نمی گویم که فدرالی بد است، بلکه به شرائط افغانستان به جغرافیای افغانستان، به خصوصیت افغانستان، به منافع افغانستان سازگاری دارد یا نه؟ این را ملت و مردم افغانستان تصمیم بگیرند. من به این اصرار ندارم که فدرالی یک نظام پذیرفته شده در دنیا است باید به افغانستان پیاده شود. طرفدار سیستم صدارتی و پارلمانی هستم درین شرائط در افغانستان، نه فدرالی.

• من طرفدار این هستم که چهره های نو، نسل نو و جوان های تحصیل کرده به صحنه بیایند. نه به این منظور که چهره های کارآمد و فعال فعلی را هم از صحنه بیرون کنند. آنان که مؤثر هستند و تخصص دارند و متعهد هستند و از آنها کار مفید گرفته می شود، حق اولویت را دارند. در پهلوی آنها من موافق هستم چهره های جوان فعال، متخصص و دلسوز به وطن فعالانه برای آبادی این وطن جنگ زده کار بکنند. البته با اندیشه های نو، با تکنالوژی معاصر، اینها شامل عرصهٔ کار و نظام شوند.

• مخالفین مسلح افغانستان که با امریکایی ها صحبت می کنند، از خود شان تصمیم ندارند. شما می دانید که آنها از کجا تمویل و تسلیح می شوند و در کجا کمپ دارند، و جای تجهیز و اعاشهٔ آنها هم معلوم است. طبیعی است وقتی که این امکانات در اختیار آنها گذاشته می شود آنها از هدایت آنها پیروی می کنند. و از آنها در بی ثباتی افغانستان و در بی ثباتی دولت استفاده می شود. و امریکایی ها هم از کشاندن آنها در مذاکره هدفی دارند وآن اینکه یکتعداد آنها را مهار بسازد تا در بازی های آینده از آنها استفاده کند. گرچه باز کردن دفتر برای آنها در قطر یک امتیاز سیاسی برای آنها می باشد. اینکه در پشت پرده چه وجود دارد من هم فعلاً نمی توانم روی آن تبصره کنم.

• تصمیم باید برای مردم افغانستان داده شود، ملت افغانستان تصمیم بگیرند و ملت افغانستان رای بدهند. آنهایی که از حقوق بشر صحبت می کنند، ای کاش بگذارند که ملت افغانستان تصمیم بگیرند. ملت افغانستان رای بدهند و مخالفین مسلح افغانستان هم بیایند و در فضای دموکراتیک رای بگیرند. اگر رای اکثریت را به دست آوردند، نظام دلخواه خود را بسازند. دل شان جمهوری می خواهند، امارت و یا نظام دیگری.

• ملت پاکستان برادر ماست، ما دین مشترک، فرهنگ مشترک، زبان مشترک داریم. حلقات معین در آن کشور وجود دارد که نمی خواهند مردم ما به آرامی زندگی کنند. آنها مشکل خلق می کنند، سازمان دهی می کنند، انتحار، ترور و تخریب را به افغانستان وارد می کنند. من این را بارها گفته ام، البته ده سال قبل هم من این موضوع را به جامعهٔ جهانی گفته بودم، در آن وقت آن ها قبول نمی کردند. تا اینکه حال معتقد به این شده اند که بلی چنین گپ وجود دارد. حال خود شان اعتراف می کنند که مراکز تربیه وترینتگ آن طرف خط دیورند موجود است و از آنجا تجهیز می شوند و می آیند داخل افغانستان می شوند. فکر می کنم بعد از اینکه اسامه بن لادن از مهمترین جای آنها یعنی نزدیکی مرکز نظامی آنها (ایبت آباد پاکستان) دستگیر شد. در این هیچ شکی باقی نمانده که بگویم که در افغانستان بعضی حلقات آنها مداخله و مخالفین را تجهیز نمی کند.

• اگر حقانی است، اگر آغای حکمتیار است و یا طالبان اند، اگر اینها واقعاً افغان هستند، افغانستان را دوست دارند، قانون اساسی افغانستان را قبول کنند. بیایند داخل نظام شوند. از درِ تفاهم و بازی های سیاسی و رقابت های منطقی و سیاسی به پیش بروند. و اگر با دولت تفاهم می کنند، موقفی را می گیرند ما مخالف آن نیستیم. یک مرتبه جنگ از افغانستان رخت بسته کند. بعد مردم افغانستان تصمیم می گیرند که آیندهٔ این کشور جنگ زده را چه چگونه می سازند. یکتعداد چهره ها تکراری است، مردم از آنها خسته شده اند، مردم تصمیم خواهند گرفت، چهره ها و شخصیت های جدید سر بلند خواهند کرد و بلاخره در افغانستان مدیریت و خدمت خواهند نمود. من موافق این هستم که یکبار به افغانستان صلح مسلط شود و زندگی مصئون را مردم افغانستان ببینند. این مردم حدود سه دهه تمام مشکلات را دیده اند. و تمام بدبختی ها را تجربه کردند. چقدر فرزند ها بی پدر شدند، چقدر مادرها بی فرزند شدند، به همین قسم به چه اندازه مردم بی خانه و بی کاشانه شدند، میلیون ها هموطن ما امروز خارج از وطن آبائی شان زندگی می کنند. ما از تعقل کار بگیریم، جنگ را کنار بگذاریم و برویم به کار و فعالیت های سیاسی، البته این بهترین راه خواهد بود. خداوند کل ما و آنها را توفیق بدهد. اگر بخواهند که با زور کیبل و شلاق بیایند. درین شکی نیست کسانی که اینجا در صحنه حضور دارند از خود و از مردم خود دفاع خواهند کرد. زیرا اینجا اکثریت مردم خواهان زندگی مدنی، شهر نشینی، زندگی آزاد، آزادی بیان، آزادی عقیده در چوکات دین مبین اسلام که بنده هم در جملهٔ این مردم هستم، ازین وطن و ازین خاک دفاع خواهیم کرد. ما زندگی را می خواهیم که دران پیشرفت باشد نه عقب گرد.

• من برای هموطنان عزیز خود در پهلوی اینکه برای شان احترام تقدیم می کنم، خواهش من اینست که هر کس به اندازهٔ توان و ظرفیت خود برای وحدت ملی کشور، برای بهتر شدن این کشور، برای آوردن فرهنگ هم گرائی، برکندن فرهنگ خشونت زدائی کار کنند.

امضای تفاهمنامهٔ عملیات شبانه...

و در صورت ضرورت از نیروهای امریکایی مطالبه حمایت نماید؛ و

د) قوای افغان مسؤولیت محافظت از تمام اطفال، زنان و مکان های حساس فرهنگی را دارند؛

۶- افغانستان تأکید می کند تا اقدامات و ظرفیت های لازمی را زیر دست گیرد تا عملیات خاص در چارچوب قانون اساسی افغانستان اجراء گردیده و زمینه برای تطبیق اهداف مندرج ماده ۵ این یادداشت تفاهم از جانب طرفین مهیا شود. علاوه بر سایر موارد، نکات زیر درج می گردند:

الف) ایجاد میکانیزم های عدلی، پیگرد قانونی و تحقیقاتی که صدور به وقت و مصوّن مجوز های عدلی را جهت اجرای عملیات خاص علیه اشخاصی که مشکوک به واجد شرایط بودن با معیار های توقیف، بازداشت و یا تعقیب عدلی مطابق قوانین افغانستان هستند، ممکن سازد؛

ب) تعیین اشخاص مطمئن و با صلاحیت در گروپ هماهنگی عملیاتی، جهت تسهیل تطبیق و صدور مجوز های یادشده.

۷- در حمایت از افغانی ساختن کامل عملیات خاص و به هدف تشکیل قوای خاص پایدار و مجهز برای افغانستان، ایالات متحده تعهد می کند تا به کمک های خویش در موارد زیر ادامه دهد:

الف) افزایش تعداد دلگی های قطعهٔ خاص عملیاتی افغان و ارتقای ظرفیت های دلگی ها جهت به عهده گرفتن رهبری در عملیات خاص؛

ب) تقویت نیروهای ضربتی قطعه خاص عملیاتی افغان با ظرفیت بلوک ها و عناصر حمایوی کلیدی افغان، تا بدین صورت تعداد نیروهای ضربتی امریکایی کاهش یابند

ج) فراهم ساختن حمایت تخنیکی در جریان بازداشت مؤفق طبق درخواست مقامات افغانی

د) رشد طیف کامل توانایی های نیروهای افغان که جهت اجرای چنین عملیات، لازمی می باشد.

۸- از قوای ایالات متحده توقع میرود تا کلیه حمایت های لازم را برای پیروزی این عملیات ها و نهادهای مربوطه افغان ادامه داده، علاوه بر سایر موارد این حمایت ها شامل ارائه اطلاعات و تحلیل های استخباراتی به قطعه خاص عملیاتی افغان جهت کسب قابلیت کامل عملیاتی و همچنان حمایت هیلیکوپتر، طیاره های بالدار، حمایت توپچی، انتقال مجروحین و تأمین امنیت، می گردد.

بخش سوم
احکام نهایی

۹- هرگاه یکی از اتباع افغانستان توسط نیروهای امریکایی در حالت غیر از عملیات خاص بازداشت شود، باید رها گردیده یا به اسرع وقت جهت محاکمه و یا نگهداری در مطابقت با قوانین افغانستان به شمول پروتوکول الحاقی شماره دوم ژنیو، به مقامات افغان انتقال یابد.

۱۰- طرفین با امضای این یادداشت تفاهم، یک کمیته مشترک دوجانبه عملیات خاص را ایجاد مینمایند. این کمیته از جانب وزیر دفاع ملی افغانستان و قوماندان عمومی قوای ایالات متحده در افغانستان و یا نمایندگان شان، ریاست می شود. این کمیته برعلاوه سایر موضوعات، مسوولیت اجرای وظایف زیر را به عهده خواهد داشت:

الف) نظارت از افغانی ساختن کامل عملیات خاص؛

ب) حل و فصل مناقشات ناشی از هماهنگی و اجرای عملیات خاص طوریکه در این یاداشت تفاهم درج گردیده است؛

ج. هماهنگ نمودن همکاری میان طرف ها در راستای انکشاف ظرفیت های افغانستان طوریکه در این یادداشت تفاهم درج گردیده است.

۱۱- تفاهمات طرفین مندرج این یادداشت تفاهم بالای ترتیبات و تفاهمات موجوده در مورد مسایلی که خارج از حیطهٔ این یادداشت تفاهم است، تاثیر نمی گذارد.

۱۲- تمام همکاری های تحت این یادداشت تفاهم میان طرف ها در مطابقت با حقوق، مکلفیت ها و تعهدات شان مبتنی بر قوانین بین المللی بوده و همچنان مشروط به قوانین و مقررات نافذه داخلی طرف ها میباشد.

۱۳- این یادداشت تفاهم سر از تاریخ امضای آن مرعی الاجراء میباشد.

۱۴- اختلافات حاصله در چارچوب همکاری های شامل این یادداشت تفاهم در قدم اول از طریق کمیته دو جانبه عملیات خاص که در بالا به آن اشاره شد، حل و فصل میگردند، و در صورتی که از این طریق تفاهمی حاصل نشود، از مجاری دیپلوماتیک حل و فصل میشوند.

۱۵- این یادداشت تفاهم به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۹۱ (مطابق با ۸ اپریل ۲۰۱۲ میلادی) در شهر کابل به امضا رسید. نسخه های انگلیسی، پشتو و دری هرسه دارای اعتبار یکسان میباشند.

به نماینده گی از جمهوری اسلامی افغانستان
سترجنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع ملی

به نماینده گی از ایالات متحدهٔ امریکا، ستر جنرال جان الن
قوماندان عمومی نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ سوم ٢٦ حمل ١٣٩١ ٢٢ جمادی الاول ١٤٣٣ - 14 April 2012



امضاء تفاهمنامهٔ افغانی ساختن عملیات شبانه

آنچه می خوانید، منحیث یک سند نشر می گردد، یادداشت تفاهمنامه میان افغانستان و امریکا است که در مورد افغانی ساختن عملیات های خاص، هفتهٔ گذشته توسط نمایندگان دو کشور به امضاء رسید. در یک دههٔ اخیر با عملیات های خودسرانهٔ نیروهای خارجی که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان ما شد، تنش های با وقفه را میان دو کشور شاهد بودیم. امیدواری بر این است تا این تفاهمنامه بتواند به این تنش ها و عملیات های خودسر نقطهٔ پایان بگذارد و نیروهای امنیتی و دفاعی کشورما بتوانند با به دست آوردن باور مردم، مؤفق بدر آیند.

٢٠ حمل ١٣٩١

حکومت جمهوری اسلامی افغانستان (که منبعد "افغانستان" گفته میشود) و حکومت ایالات متحده امریکا که منبعد ("ایالات متحده" گفته میشود) پس از این هر دو بنام طرف های یاد شده و از جانب وزیر دفاع جمهوری اسلامی افغانستان و قوماندان عمومی نیروهای امریکایی در افغانستان نمایندگی می شوند؛

- با رعایت اصول و احکام قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان؛
- با توجه به دست آورد های مشترک در همکاری شان در راستای مبارزه با تروریزم بین المللی، افراطیت و تأمین ثبات در افغانستان؛
- با اتکأ به پیشرفت های حاصله در روند جاری انتقال مسئولیت های رهبری در سکتور امنیتی به نیرو های امنیتی افغان در مطابقت با اصول اعلامیه لیزبن؛
- با تأکید بر احترام کامل از جانب ایالات متحده به حاکمیت ملی افغانستان؛
- با یاد آوری از مشورت های لویه جرگه عنعنوی ماه عقرب ١٣٩٠، بخصوص در مورد اینکه "عملیات شب هنگام که از جانب نیروهای امریکایی صورت میگیرد به اسرع وقت افغانی شود"؛
- با یاد آوری از پیشرفت هایی که قبلاً در قسمت افغانی ساختن عملیات خاص صورت گرفته است؛ به تفاهمات زیر دست یافته اند:

بخش اول
تعریفات

١- در چارچوب این یادداشت تفاهم، عملیات خاص عبارت از عملیاتی اند که توسط گروپ هماهنگی عملیاتی افغان یا (OCG) تصویب شده و توسط نیروهای افغان با حمایت نیروهای عملیات خاص ایالات متحده در مطابقت با قوانین افغانستان اجرأ میشوند.

٢- قطعه خاص عملیاتی افغان متشکل از پرسونل اردوی ملی افغانستان، پولیس ملی افغانستان و ریاست عمومی امنیت ملی میباشد. این قطعه عملیات خاص را با حمایت نیروهای ایالات متحده جهت آوردن ثبات و امنیت در افغانستان رهبری مینماید.

٣- گروپ هماهنگی عملیاتی افغان یک نهاد افغانی است که شامل پرسونل نهاد های مختلف امنیتی و نهادهای حراست از قانون میباشد. برخی از مسؤولیت های آن عبارت از ارزیابی و تصویب ماموریت عملیات خاص، اشتراک در تشریک و توحید استخباراتی، نظارت از اجرای عملیات، آگاهی دهی به والیان ولایات و تهیه گزارشات به مقامات ارشد افغان میباشد. گروپ های هماهنگی عملیاتی ساحوی یا (ROCGs) در حال تأسیس بوده و توقع میرود تا مسؤولیت های مشابه قوماندانی گروپ هماهنگی عملیاتی مرکز را بر عهده داشته باشند.

۴- در چارچوب عملیات خاص، بازداشت مؤقتی به معنی توقیف یک شخص از سوی مقامات افغان برای مدت زمان معین در مطابقت با قوانین افغانستان و به شمول پروتوکول الحاقی شماره دوم سال ١٩٧٧ کنوانسیون ١٩۴٩ ژنیو است، قسمی که مشخص شود که شخص مورد نظر واجد شرایط پیگرد قانونی و یا بازداشت در مطابقت با قوانین بشردوستانه بین المللی می باشد

بخش دوم
شرایط افغانی ساختن عملیات خاص

۵- طرفین بر این نیت شان تأکید می کنند که عملیات خاص در چارچوب قانون اساسی افغانستان، بخصوص مواد چهارم، پنجم ، هفتم، سی و هشتم و پنجا و هفتم آن اجراء میگردند. برای تحقق این هدف، طرف ها بر موارد زیر تأکید می کنند:

الف) عملیات خاصی که انتظار میرود منجر به توقیف (افراد)، تفتیش یک خانهٔ مسکونی یا حریم شخصی گردد، باید در مطابقت با قوانین افغانستان اجرأ گردند؛

ب) خانه های مسکونی باید تنها در صورت ضرورت تفتیش گردند، و در چارچوب عملیات خاص، فقط قوای افغان خانه های مسکونی و محوطه های شخصی را تفتیش کرده میتوانند؛

ج) قطعه خاص عملیاتی افغان میتواند مطابق قانون به منظور تفتیش در حریم خصوصی اشخاص داخل گردد ص٧

آیا پیمان راهبردی با امریکا، پیش از کنفرانس شیکاگو به امضاء خواهد رسید؟

فیض

پیمان راهبردی میان افغانستان و امریکا و رسیدن به توافق مواد این پیمان، دیریست سروصداهای ایجاد کرده است. بدین منظور در عقرب سال گذشته رئیس جمهور کشور جرگهٔ عنعنوی را متشکل از حدود دوهزار نفر در کابل فراخواند و با قطعنامهٔ ٧۶ ماده ای، بر امضای سند همکاری های استراتیژیک با امریکا تاکید شد و در این راستا شرایط مهمی نیز مطرح شده بود، در قطعنامهٔ لویه جرگهٔ عنعنوی در مورد شیوه های موثر صلح و مصالحه در افغانستان نیز پیشنهاداتی مطرح گردیده بود. در این جرگه تأکید شده بود تا طرف امریکا دست از عملیات شبانه بردارد که هفتهٔ گذشته روی این موضوع هم موافقتنامهٔ بین دو طرف به امضاء رسید که از این به بعد عملیات های شبانه به نیروهای افغان تعلق گرفت. اما موضوع دیگر مسوولیت گرفتن زندان بگرام بود، که این خواست دولت افغانستان هم برآورده شد. اما یک سخنگوی سفارت امریکا در کابل به آژانس خبری آلمان گفته است که، حکومت امریکا امیدوار است سند همکاری های ستراتیژیک بین دوکشور قبل از جلسهٔ ناتو در شیکاگو امضاء شود. همچنان سخنگوی ریاست جمهوری سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته در یک کنفرانس خبری گفته است، امضای سند همکاری های ستراتیژیک بین افغانستان و امریکا نزدیک است و انتظار می رود قبل از اجلاس سران ناتو در شیکاگو به امضاء برسد. قرار است کنفرانس شیکاگو در ٢٠ ماه می سال روان میلادی روی انتقال مسوولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان، چگونگی دایمی روابط ناتو با افغانستان و موضوعات دیگر در بارهٔ افغانستان، با حضور سران بیش از پنجاه کشور جهان دایر گردد و تعهداتی را به افغانستان خواهند داد.

بنا به گفتهٔ ایمل فیضی سخنگوی ریاست جمهوری، تمام مشکلات موجود سد راه امضای پیمان همکاری های درازمدت بین افغانستان و امریکا حل شده اند. اما آنچه مهم است ایجاد پایگاه امریکا در افغانستان است که سخنگوی ریاست جمهوری گفته است، موضوع پایگاه نظامی امریکا در افغانستان هم کدام مسالهٔ مشکل نیست. به گفته وی، در این مورد بعد از کنفرانس شیکاگو بحث خواهد شد.

هرگاه به فیصله های مشورتی جرگهٔ عنعنوی وقع گذاشته شود، در مادهٔ (١٢) قطعنامهٔ آن جرگه آمده بود: «اعضای جرگه مخالف حضور دائمی امریکا در افغانستان می باشد. ولی تا زمانی که حکومت افغانستان توان دفاع از خاک خود را به گونهٔ مستقل پیدا نماید با حضور نیروهای نظامی خارجی مشکلاتی وجود ندارد. بنابر این هرنوع، سند همکاری های استراتژیک که با ایالات متحدهٔ امریکا امضاء می شود باید موقتی بوده و در ظرف ده سال آینده ختم شود.» امریکا هم از مشوره های این جرگهٔ استقبال کرد، سفارت امریکا در کابل گفته بود، جرگه یکی از سنت های افغانستان است و امریکا به آن احترام میگذارد.

«فرانک روژیرو» نمایندهٔ ویژهٔ امریکا برای افغانستان و پاکستان هم اعلام کرده بود که همکاری درازمدت میان افغانستان و امریکا ادامه خواهد داشت اما امریکا هیچ تصمیمی برای ایجاد پایگاه های دائمی در افغانستان ندارد. دو هفته پیش، هیلاری کلنتن وزیر خارجهٔ امریکا نیز تاکید داشته بود که، امریکا در صدد داشتن پایگاه های نظامی دائمی در افغانستان نیست.

گذشت زمان روی چگونگی امضای پیمان و پایگاه دایمی یا موقتی امریکا در کشورما، پاسخ خواهد گفت.

نشو نموی اطفال شیرخوار

داکتر شهربانو غضنفر ترینر متخصص اطفال

رشد متوازن اطفال شیر خوار نشانهٔ خوبی از صحتمندی آنها می باشد و توقف یا تأخیر در رشد اطفال علامهٔ خطر یکی از امراض دوران طفولیت شمرده می شود. نشو و نموی اطفال با اندازه گیری وزن، قد و محیط رأس ارزیابی می شود. در بین این سه معیار، وزن ارزش بیشتری دارد، زیرا در صورت مشکلات در نشو و نموی اطفال ابتدا وزن کم می شود و یا هم ثابت می ماند، در حالی که قد و محیط رأس اطفال ممکن است تغییر نکند یا تغییرات بعدی یعنی بعد از مدت زیاد به وجود خواهد آمد.

در صورتی که عامل مرض تداوی گردد باعث تأخیر در رشد گردیده و وزن اولین معیاریست که افزایش می یابد و تغییرات قد و محیط رأس تأخیری بوده و ممکن است ناچیز باشند.

پس جهت بررسی وضعیت نشوونموی اطفال خود، آنها را وزن نماییم. نکتهٔ مهم دیگر، وزن کردن برای یکبار کافی نیست، بلکه توصیه می شود این کار تکرار و با فاصله های منظم صورت گیرد و نتایج درجات مخصوص نشو و نموی اطفال در گراف منحنی نشان می دهد ثبت شود.

زمان های توصیه شده برای اندازه گیری وزن:

١- زمان تولد ٢- در سال اول حیات- ماه یکبار ٣- در سال دوم حیات- هر دو ماه یکبار ۴- در سال سوم حیات- هر سه ماه یکبار. در موارد ذیل در سال اول بهتر است اطفال در هر دو هفته یکبار وزن شوند:

- نوزادانیکه وزن زمان تولد ایشان کمتر از ٢۵٠٠ گرام باشد.
- نوزادان پریمچور (قبل المیعاد)
- نوزادان دوگانگی یا سه گانگی و...
- هرگاه یکی از فرزندان قبلی ایشان سوء تغذی داشته باشد.
- هرگاه شیر مادر قبل از شش ماهگی قطع شده باشد.
- هرگاه فاصله بین دو فرزند کمتر از دو سال باشد.
- شیرخوارانی که امراض ولادی خاص داشته باشند.
- نوازدنی که هنگام تولد به احیای مجدد ضرورت داشته و دیر تنفس نموده اند.
- نوزادانیکه در بلع شیر مشکل داشته باشند، مانند لب چاک و کام چاک. وزن متوسط نوزاد هنگام تولد ٣٢٠٠ گرام است. معمولاً طی چند روز اول در حدود ١۵٠ گرام از وزن او کم می شود ولی تا روز های هفتم الی دهم این کاهش جبران می شود و نوزاد وزن هنگام تولد خود را باز می گیرد. وزن اطفال در طی ماه اول زندگی در حدود ۵٠٠ الی ١٠٠٠ گرام افزایش می یابد.

در شرایط ذیل، تغییرات وزن طبیعی نبوده و لازمست با داکتر مشوره شود:

١- نوزادی که تا دو هفته کاهش وزن داشته باشد
٢- نوزادنی که هفته سوم زندگی وزن هنگام تولد خود را به دست نیاورده باشد.
٣- اطفالی که تا شش ماهگی کمتر از ۵٠٠ گرام در هر ماه وزن بگیرند.
۴- اطفال از ۶ تا ١٢ ماهگی طی دو ماه متوالی وزن نگیرند.
۵- اطفال بالاتر از یکسال، طی سه ماه متوالی وزن نگیرند.
۶- اطفال در هر سن که باشند کاهش وزن داشته باشند.

محیط رأس نوزاد هنگام تولد به طور اوسط ٣۵ سانتی متر است. طی ماه اول حیات دو سانتی متر به آن افزوده میشود.

درموارد ذیل باید با داکتر مشوره گردد:

١- محیط رأس نوزاد هنگام تولد کمتر از ٣٢ سانتی متر و یا بیشتر از ٣٧ سانتی متر باشد (به شرطی که نوزاد قبل المیعاد نباشد).
٢- افزایش محیط رأس در ماه اول بیش از ٣ سانتی متر یا کمتر از ٢ سانتی متر باشد. قد نوزاد هنگام تولد به طور متوسط ۵٠ سانتی متر است که در ماه اول حیات در حدود ٣ سانتی متر به آن افزوده می شود.